



Analyzing the General Energy Policies and how to Apply the Social Approach in the Upstream Documents of this Field¹

Jamal Abdollahpour

Assistant Professor, Management and Social Science Group, Research Department of Policy and Governance Studies, Niroo Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding author).

jabdollahpour@nri.ac.ir

0000-0002-9488-4657

Gholamreza Heidari

Assistant Professor, Management and Social Science Group, Research Department of Policy and Governance Studies, Niroo Research Institute, Tehran, Iran.

heidari1234@yahoo.com

0000-0002-0340-9501

Abstract

In order to have the right energy policy to achieve the goals of sustainable development, we need to consider a diverse range of political, economic, social and environmental considerations. The main concern is that energy policy has been dominated by a technical / physical approach. This means ignoring and misinterpreting the human and social context of supply and demand in energy policy. In this study, we analyze the country's policy plans, how the social approach has been applied in energy policy. Hence, we identified the dimensions and components of the social approach and performed the analysis using the method of deductive and inductive qualitative content analysis. Findings showed that energy policy has a strong emphasis on the two areas of development projects management and consumption management. Although policy plans, has elements of a social approach, but in many cases, this approach has been neglected. The social approach has become more prominent in recent policies, and there is a relative tendency in the technical approach to the technical-social approach. This change can be seen not only in the content of the program but also in other upstream energy documents that have been approved during the program. The proposed research model is to apply a social approach based on the experience of programs and in the context of upstream documents and paradigm shifts that can be used in the seventh program as well as other related executive procedures.

Keywords: upstream documents, Energy Policy, Social Approach, consumption management, Development projects.

JEL Classification: Q43, Q47, O13, P28, P48

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Abdollahpour, J. & Heidari, G. R. (2023). Analyzing the General Energy Policies and how to Apply the Social Approach in the Upstream Documents of this Field. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 11(3), 479-524.
<https://doi.org/10.30507/JMSP.2023.354524.2467>

E-ISSN: 2345-2552 / Center for Strategic Research / Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies

Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



20.1001.1.23452544.1402.11.43.2.2

10.30507/JMSP.2023.354524.2467

* **Corresponding Author:** Jamal Abdollahpour, **Address:** Research Department of Policy and Governance Studies, Niroo Research Institute, **Tel:** +98(912) 8179626


1. This article is extracted from the research project "Study, identification and formulation of policies, programs and solutions for the utilization of social sciences in governance and management of the power industry and energy" which was completed at Niroo Research Institute (ministry of energy-republic Islamic of Iran).

واکاوی سیاست‌های کلی انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی در اسناد بالادستی^۱

جمال عبدالله‌پور

استادیار، گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی، پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی، پژوهشگاه نیرو، تهران، ایران (نویسنده مسئول).


jabdollahpour@nri.ac.ir

 0000-0002-9488-4657

غلامرضا حیدری

استادیار، گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی، پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی، پژوهشگاه نیرو، تهران، ایران.

heidari1234@yahoo.com

 0000-0002-0340-9501

چکیده

سیاست‌گذاری صحیح در حوزه انرژی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، مستلزم منظور کردن طیف متنوعی از ملاحظه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. دغدغه اصلی این است که سیاست انرژی تحت‌سلطه رویکرد فنی / فیزیکی قرار داشته و این به معنی نادیده‌گرفتن و سوءتعبیر زمینه انسانی و اجتماعی عرضه و تقاضا در سیاست‌گذاری انرژی است. در پژوهش حاضر کوشیده‌ایم سیاست‌های مندرج در اسناد بالادستی حوزه انرژی و نحوه اعمال رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری این حوزه را واکاوی نماییم. بدین منظور با به‌کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی قیاسی و استقرایی، مفاد مرتبط با حوزه انرژی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها بیانگر تأکید جدی سیاست‌گذاری انرژی بر دو حوزه طرح‌های توسعه‌ای و مدیریت مصرف بوده که اگرچه عناصری از رویکرد اجتماعی را دربردارد، اما در موارد زیادی نیز از اتخاذ این رویکرد غفلت شده است. در اسناد اخیر، ذهنیت غالب، حاکی از تمایل نسبی در رویکرد تکنیکی به‌سمت رویکرد تکنیکی - اجتماعی می‌باشد. الگوی پیشنهادی پژوهش برای اعمال رویکرد اجتماعی مبتنی بر تجربه برنامه‌ها و در چهارچوب اسناد بالادستی و تحول‌های پارادایمی بوده که قابل کاربست در برنامه هفتم توسعه و نیز دیگر رویه‌های اجرایی مرتبط می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اسناد بالادستی، سیاست‌گذاری انرژی، رویکرد اجتماعی، طرح‌های توسعه‌ای، مدیریت مصرف.

طبقه‌بندی JEL: Q43, Q47, O13, P28, P48

شاپای الکترونیک: ۲۳۴۵-۲۵۵۲ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان



 20.1001.1.23452544.1402.11.43.2.2

 10.30507/JMSP.2023.354524.2467

* نویسنده مسئول: جمال عبدالله‌پور، نشانی: پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی، پژوهشگاه نیرو،
تلفن: ۸۱۷۹۶۲۶ (۹۱۲) ۹۸+

۱. این مقاله از مطالعات پروژه پژوهشی «مطالعه، شناسایی و تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهکارهای کاربست علوم اجتماعی در حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی» که در پژوهشگاه نیرو خاتمه یافته، استخراج شده است.

مقدمه و بیان مسئله

سیاست‌گذاری انرژی، مشتمل بر چهارچوبی درهم‌تنیده از قواعد و طرز تلقی‌های رسمی و غیررسمی است که نحوه تعامل تمام سطوح حکومتی و بخش‌های مدنی و خصوصی را با مقوله انرژی شکل می‌دهد. سیاست انرژی نیازمند تعریف اهداف کلان، تعیین راهبرد برای دستیابی به آن، طراحی چهارچوب‌های نهادی که دولت اولویت‌ها را مشخص می‌نماید و سازوکارهای ارزیابی و اجرای سیاست‌ها می‌باشد. ابزارهای مورد استفاده در سیاست‌گذاری انرژی هم شامل طیف متنوعی از ابزارهای قانون‌گذاری، مشوق‌های سرمایه‌گذاری، دستورالعمل‌ها و استانداردهای مرتبط با انرژی، ابزارهای مالیاتی، مالکیت‌های دولتی، معاهده‌های بین‌المللی و تدوین سیاست‌های کلان هستند. در مجموع، سیاست‌گذاری انرژی، بسته‌ای بسیار پیچیده و متنوع از اهداف و عوامل مؤثر را شامل می‌شود که به‌صورت پویا با هم در تعامل‌اند و به‌مسائلی چون رشد اقتصادی، اشتغال، علم و فناوری، ثبات سیاسی، امنیت ملی، پیمان‌های بین‌المللی و مسائل اجتماعی پیوند خورده است» (Maleki, 2013, p. 24).

سیاست‌گذاری به‌طور عام و سیاست‌گذاری انرژی به‌طور خاص مانند هر تصمیم‌گیری حرفه‌ای، از یک اصل بنیادی و اساسی برخوردارند که آن هم، ارزیابی همزمان جوانب اقتصادی، راهبردی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فنی می‌باشد. این امر در بخش انرژی، که به‌طور سنتی با طرح‌های بزرگ‌مقیاس مبتنی بر اثرهای قوی و متعارض اجتماعی مرتبط است، جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا طرح‌های انرژی، از یک طرف به‌طور مطلق برای رفاه اجتماعی جمعیت ضروری بوده، اما از طرفی دیگر، آنها مکرراً با مسائل زیست‌محیطی در ارتباط بوده و با مخالفت اجتماعی مواجه هستند (Ferreira & et al., 2010). از این‌رو، اصل توسعه پایدار مقبولیت روزافزونی در رویکردهای جدید سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی پیدا کرده و به نیروی انگیزشی عمده‌ای در این زمینه تبدیل شده است. به این معنا که برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مبتنی بر توسعه پایدار انرژی بر اساس زمینه‌ای که دغدغه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی را منعکس کند، ضرورت می‌یابد (Ferreira & et al., 2010). پس «سیاست‌گذاری صحیح در حوزه انرژی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، مستلزم منظور کردن طیف متنوعی از ملاحظه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است» (Mohammadi Ardhali & Adham, 2008, p. 81).

با این اوصاف، «تاکنون به انرژی تنها از دیدگاه مهندسی و برخی اوقات از دیدگاه

اقتصادی و فناوری نگاه می‌شده و در این رهگذر، مفاهیمی مانند بهینه‌سازی، راندمان و تعادل بیسشتر مطرح بوده و تصمیم‌گیری نیز بر همین اساس بوده است. پیشرفت‌های اخیر در علوم سیاسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، اقتصاد توسعه و اقتصاد محیط‌زیست، ابعاد جدیدی به سیاست‌گذاری انرژی داده است» (Maleki, 2013, p. 22). میزان توجه به ملاحظه‌های اجتماعی در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه به‌طور عام و در حوزه صنعت برق و انرژی به‌طور خاص در مقایسه با حوزه‌هایی چون محیط‌زیست متأخرتر بوده و حتی می‌توان گفت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لارید (۲۰۱۳)، در این خصوص می‌گوید: «تصمیم‌گیری فن‌سالاری یا تکنوکراتیک (به کمک خبرگان در صنعت برق یا سیاست‌گذاری انرژی) بدون فرصت مشارکت عمومی در بخش انرژی (برق) سابقه گسترده‌ای در جهان دارد و انتخاب‌های مرتبط با انرژی برای عموم در قالب گزینش‌های ساده‌ای میان انواع سوخت‌ها و فناوری‌ها تصور می‌شود» (Marzban & et al., 2018). دانشمندان علوم اجتماعی سالیان متمادی خواهان درگیر شدن در سیاست انرژی بوده‌اند (Sovacool & et al., 2015)، اما پژوهش‌های علوم اجتماعی مرتبط با انرژی بسیار کمتر از ظرفیت و توانایی خود، روی سیاست‌گذاری انرژی تأثیرگذار بوده‌اند (Cooper, 2017). دغدغه اصلی این است که سیاست انرژی تحت سلطه رویکرد فنی / فیزیکی قرار داشته و این به معنی نادیده گرفتن و سوءتعبیر زمینه انسانی و اجتماعی تقاضای انرژی در سیاست‌گذاری انرژی است. این استدلال بر اهمیت علوم اجتماعی در ایجاد تغییرات اجتماعی استوار است و اگر آن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها دخالت داده نشوند ما در آینده کمتر می‌توانیم «به سیستم انرژی دسترسی داشته باشیم که بهزیستی انسان‌ها را ارتقا دهد» (Sovacool & et al., 2015).

فارغ از اهمیت نظری پایداری اجتماعی در سیاست‌گذاری توسعه پایدار انرژی، واقعیت‌های عینی مسائل اجتماعی مرتبط با حوزه انرژی در ایران نیز (نظیر شکل گرفتن ساختارها، زیرساخت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای نامناسب در زمینه مصرف انرژی، عدم موفقیت در ممانعت از بدمصرف شدن جامعه ایرانی در بخش انرژی و توجه ناکافی به ابعاد اجتماعی و غیرفنی مدیریت منابع انرژی) گویای آن است که رویکردهای حاکم بر حکمرانی و مدیریت برق و انرژی، با تأکید بر سازوکارهای فن‌سالاری یا تکنوکراتیک و نگاه فنی، به‌تنهایی قادر به حل مسائلی که از به‌کارگیری همین رویکرد ایجاد شده، نیست و نیاز به استفاده از رویکردهای نو و سازوکارهای متنوع مبتنی بر نگاه اجتماعی و فرهنگی، به‌طور کلی غیرفنی، به مسئله انرژی دارد

(Ministry of Energy, 2018). بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰)، حلقه مفقوده سیاست‌گذاری در ایران، ضعف سوبیه‌های اجتماعی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بوده و تصمیم‌های بیشتر از اینکه در جرگه اجتماعیات، مورد بحث، بررسی و ارزیابی قرار گیرند؛ با کمترین پشتوانه اجتماعی و صرفاً با اتکا به توجیه اقتصادی، تصمیمات اتخاذ شده است؛ بنابراین مسئله فقط محدود به حوزه سیاست‌گذاری انرژی نمی‌باشد. از آنجاکه توفیق سیاست‌ها و اقدام‌های توسعه در جوامع امروزی از یک‌سو مستلزم رفع موانع اجتماعی و فرهنگی و پیشگیری از تبعات اجتماعی ناگوار و از سوی دیگر استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی فرهنگی جوامع هدف است، این موضوع جز از رهگذر اتخاذ رویکرد اجتماعی در تدوین و اجرای آنها ممکن نیست. از این‌رو انجام مطالعه‌های نظام‌مند و مبتنی بر تحلیل مفاد اسناد بالادستی انرژی به لحاظ ضرورت اتخاذ رویکرد اجتماعی و نحوه اعمال آن، می‌تواند بستر شناخت و نیز راهکارهای بهبود وضعیت موجود را در سیاست‌گذاری انرژی در تعامل با جامعه فراهم آورد. تاکنون مطالعه‌ای در ایران در این خصوص انجام نشده است (Islamic Parliament Research Center, 2017). پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال بوده که وضعیت اعمال رویکرد اجتماعی در سیاست‌ها و اقدام‌های حوزه انرژی مندرج در مفاد اسناد بالادستی چگونه است و اگر از آن غفلت شده، چگونه باید اعمال گردد. در این راستا، در ادامه ابتدا چهارچوب مفهومی پژوهش مبنی بر ابعاد و مؤلفه‌های رویکرد اجتماعی، مرور و تدوین شده، سپس در بخش روش‌شناسی، روش تحقیق برای تحلیل اسناد ارائه و در پایان، یافته‌های تحلیل و نتایج تشریح خواهد شد.

۱. مبانی مفهومی و نظری

رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی، بیانگر سازوکارهایی است که نشان می‌دهد چگونه باید بین جامعه و سیاست‌های انرژی تعامل برقرار کرد که برآیند آن، سیاستی باشد که مبتنی بر ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، ایفای مسئولیت اجتماعی جامعه و حکمرانی، متقاعدسازی مردم، پذیرش اجتماعی و جلب مشارکت عمومی باشد. در واقع سیاست‌گذاری در چهارچوبی از رعایت الزام‌های اجتماعی و پیامدهای آن انجام می‌گیرد به‌گونه‌ای که در راستای اهداف جامعه می‌باشد. حاصل این نوع سیاست‌گذاری در انرژی، تضمین استقرار یک نوع سیستم انرژی می‌باشد که مبتنی بر رویکرد اجتماعی-فنی خواهد بود. سیاست‌گذاری انرژی جامعه‌محور، باید زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی را در هر سازوکاری که در نظر دارد، لحاظ نماید و با

در نظر گرفتن این زمینه‌ها، اقدام‌های بعدی را به‌جای آورد. ایفای مسئولیت اجتماعی، متقاعدسازی مردم، پذیرش اجتماعی و جلب مشارکت عمومی به‌عنوان اقدام‌های بعدی که هر کدام مبتنی بر فهم شرایط و زمینه‌های اجتماعی فرهنگی بوده و بر همدیگر اثر هم‌افزا دارند، سازوکارهای تضمین رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری است. منظور از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، شرایط اجتماعی و یا فرهنگی نسبتاً پایداری است که قبل از تولد افراد در جامعه وجود داشته و کنش اجتماعی اعضای جامعه را مشروط می‌سازند. یعنی شرایطی که حکمرانی و مدیریت صنعت برق و انرژی را در کشور، در قالب عوامل محدودکننده و یا تشویق‌کننده، محدود یا تسهیل می‌کنند. ایفاء مسئولیت اجتماعی، به‌معنای پاسخگوبودن در برابر تأثیرهای اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های سازمان یا مؤسسه بر مردم است که شامل افراد داخل سازمان و مردم اجتماعی‌ای که سازمان در آن فعالیت می‌کند، می‌شود (Stjepcevic & Siksnelyte, 2017). به باور باکلی و دیگران (۲۰۰۱) امروزه در شرایط جهانی شدن و شبکه‌های گسترده اطلاعاتی از سازمان‌ها انتظار می‌رود در برابر مسائل محیط‌زیست، رعایت منافع جامعه، حقوق اقلیت‌ها و... حساسیت داشته، واکنش نشان دهند؛ بنابراین سازمان‌ها ناچار به انجام اقدام‌های وسیع و گسترده برای جلب افکار عمومی هستند که وجه غالب آنها نشان دادن وجه اخلاقی اقدام‌های سازمان است. متقاعدسازی مردم، فرایند اقناع و مجاب کردن مردم بر مبنای روش‌ها و تکنیک‌هایی است که برای پذیرش و یا مقبولیت و مشارکت در یک اقدام و یا تغییر در کنش صورت می‌گیرد؛ بنابراین سیاست‌های انرژی که در پی اتخاذ رویکرد اجتماعی هستند نیاز است تا جهت پذیرش خود و جلب همراهی اجتماعی، مردم را بر مبنای روش‌های مقتضی متقاعد و توجیه نمایند. «پذیرش اجتماعی به زبان ساده عبارت از میزان تصدیق یک پدیده یا رویداد در جامعه که برانسون آن را چنین تعریف می‌کند: روش‌های به‌هم‌پیوسته ابراز رضایت عمومی که به‌وسیله آن قضاوت‌ها، الگوهای قابل شناسایی و سیاسی قشرهای مختلف شهروندان، بسط داده می‌شود» (Talebian & et al., 2009, p. 63). به باور لوک و دیگران (۱۹۹۸)، به‌لحاظ گونه‌شناسی پذیرش، باید گفت که شکل خاصی از تأیید را تعریف می‌کند که از «رضایت آگاهانه» تا «تطبیق اجباری» را شامل می‌شود (Leucht, 2010). مشارکت عمومی، دربرگیرنده انواع مختلف کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرایندهای تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است (Tousi, 1991). مشارکت اجتماعی

نیازمند پذیرش، حمایت و نوآوری اجتماعی مصرف‌کنندگان (مشترکان) است که در نتیجه آن افراد راه‌حل‌ها و پاسخ‌های مؤثرتری برای مسائلی چون تغییرهای اقلیمی، انرژی، سلامت و فقر پیدا می‌کنند (Budiman, 2018).

در جداول شماره یک تا پنج تلاش شده تا با بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نتایج پژوهش‌ها و نیز برخی از رویه‌های سازمانی موجود؛ ابعاد و مؤلفه‌های هر یک از عناصر پنج‌گانه رویکرد اجتماعی نشان داده شود تا با بهره‌گیری از آن بتوان رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری حوزه انرژی را تحلیل و تفسیر نمود.

جدول (۱): ابعاد و مؤلفه‌های زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مورد ملاحظه در سیاست‌گذاری انرژی

مؤلفه‌ها	ابعاد	زمینه
آگاهی عمومی، سواد انرژی، مهارت‌ها، دانش بومی، آگاهی فنی و تخصصی (Devine-Wright, 2011; De Waters, 2011)	آگاهی	آگاهی، ارزشی و نگرشی
دینی و اخلاقی، ملی، نوع‌دوستی، زیست‌محیطی، اقتصادی (Rafatjah, 2002)	ارزش‌ها	
شناختی (درک وضعیت، باور، درک محدودیت)؛ عاطفی (احساسات و عواطف، اعتماد، رضایت)؛ رفتاری (تمایل، حمایت، احساس مسئولیت‌پذیری) (Devine-Wright, 2011; De Waters, 2011; Beheshti & et al., 2015; Moula, 2013)	نگرش‌ها	
هویت‌های مبتنی بر نژاد، قومیت، جنسیت، ملیت، جغرافیا و... (Giddens & Birdsall, 2008)	هویت‌های نخستین	هویتی
هویت‌های مبتنی بر دوگانه‌هایی چون مدرن - سنتی، دینی - سکولار، شهری - روستایی و گرایش سیاسی، سبک زندگی و... (Giddens & Birdsall, 2008)	هویت‌های ثانویه	
میزان زادوولد، مرگ‌ومیر کودکان، بارداری، رشد جمعیت، مهاجرت، ازدواج و... (De Waters, 2011; Yavari & Ahmadizadeh, 2010; Alinejad & Salmanpur, 2016; Fatahi & et al., 2016)	-	جمعیتی
سیاست، اقتصاد، خانواده، آموزش و پرورش و دین (Moula, 2013; Koen, 2005)	-	نهادی
فناوری‌های ارتباطی جمعی، شبکه‌های اجتماعی، زیرساخت‌های اجتماعی	سخت‌افزاری	ارتباطی
سرمایه اجتماعی (Moula, 2013; De Waters, 2011)	نرم‌افزاری	

مؤلفه‌ها	ابعاد	زمینه
خدمات اجتماعی، تسهیلات رفاهی، زیرساخت‌های توسعه، تعادل جمعیت و امکانات (آمایش سرزمین) (Anbari, 2011; Abdollapour, 2017)	امکانی	توسعه‌ای
ظرفیت‌سازی، توانمندسازی، حفظ هویت، ایجاد پایداری (Anbari, 2011; Abdollapour, 2017)	سبکی	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول (۲): ابعاد و مؤلفه‌های ایفاء مسئولیت اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی

مؤلفه‌ها	ابعاد
بررسی و برآورد هزینه‌ها و منافع اجتماعی اقدامات بر گروه‌های مختلف اجتماعی و تدوین نظام تعدیل و جبران (Fazli, 2010)	ارزیابی تأثیرهای اجتماعی
ارتقاء مهارت‌ها، قابلیت‌ها، دانش، اعتماد به نفس و سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی مردم از طریق بسترسازی نهادی و توسعه زیرساخت‌های سازمانی و اجتماعی، تأمین اجتماعی، ارتقای معیشتی با هدف افزایش قدرت تصمیم‌گیری، انتخاب صحیح و تفویض اختیار در صورت درخواست مشارکت از آنان (Rafiean & et al., 2014; Ministry of Energy, 2018)	توانمندسازی اجتماع‌های متأثر
آگاه‌سازی و ارائه آموزش، نهادسازی، جامعه‌پذیری، سیاست‌های تشویق و تشبیه، الگوسازی و نوآوری رفتاری (Kodkhodaei & et al., 2021; Dashiri, 2009; Sadafi & Mohseni, 2015, pp. 4-8)	فرهنگ‌سازی و ترویج
دسترسی همگان به محصول، حفاظت از ایمنی و سلامت، حفاظت از اطلاعات و حریم خصوصی، حل اختلاف‌ها و جبران خسارت، شنیده‌شدن صدای مصرف‌کننده، برابری و انصاف، حفظ هویت محلی، ملی و اقلیتی و سبک زندگی، حفظ حقوق مالکیت (Iran National Standard Organization, 2021)	رعایت حقوق شهروندی
امکان بازتوانی جامعه و بازگشت به حالت تعادل در اثر مخاطره‌های انرژی (Promberger, 2014)	تاب‌آوری اجتماعی
در دسترس بودن (توانایی یک اقتصاد، بازار یا نظام برای تضمین منابع انرژی کافی در وقت نیاز)، قابلیت خریداری (مقرون به صرفه و قابل تحمل)، تناسب جمعیت و امکانات (برنامه‌ریزی فضایی یا آمایش سرزمین) (Sovacool & Mukherjee, 2011; Sovacool & Dworkin, 2015)	عدالت و امنیت انرژی
تضمین امکان مشارکت مشترکان و ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری و	دادرسی عادلانه

مؤلفه‌ها	ابعاد
متقاعدسازی و اقناع آنان (Sovacool & Dworkin, 2015; Ministry of Energy, 2018; Iran National Standard Organization, 2021)	
به حداقل رساندن فساد و ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی، دسترسی همه مردم به اطلاعات باکیفیت درباره انرژی و محیط، رویه‌های کاری منصفانه مبتنی بر رفتارهای اخلاقی (Sovacool & Dworkin, 2015; Iran National Standard Organization, 2021)	حکمرانی خوب
برآوردن نیازهای نسل کنونی بدون تهدید توانایی نسل‌های بعدی جهت رفع نیازهایشان (Sovacool & Dworkin, 2015; Iran National Standard Organization, 2021)	رعایت الگوهای پایداری
دسترسی مردم کنونی به خدمات انرژی به‌طور منصفانه و عادلانه (Sovacool & Dworkin, 2015)	برابری بین نسلی
عدالت توزیعی انرژی بین نسل کنونی و نسل‌های آینده (Sovacool & Dworkin, 2015)	برابری فرانسلی

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول (۳): ابعاد و مؤلفه‌های متقاعدسازی مردم در سیاست‌گذاری انرژی

مؤلفه‌ها	ابعاد
روش‌های جاذبه‌ها؛ فرایند به‌کارگیری زبان متقاعد کردن مخاطبان؛ راهبردهای قانع‌کننده؛ روش‌های جذبه‌های هیجانی، طعمه و ترکه، شهرت سخنگو، درخشیدن اصول کلی، طنز و شوخی، به‌نام صدا کردن، شکوهمندی قومی یا محلی؛ برساخت اینکه ما مصرف‌کننده واقعی کالا یا خدمتی خاص هستیم در مقابل فاقدین یعنی آنها که از این کالا یا خدمات خاص استفاده نمی‌کنند؛ به تصویر کشاندن متن‌ها و گفتمان‌ها؛ تأکید بر رویکرد سبک زندگی؛ تأکید بر گفتمان جهانی متفاوت (Sadafi & Mohseni, 2015, pp. 25-26; Ministry of Energy, 2020)	نظم متقاعدسازی رسانه‌ای
بر مبنای نظریه مبادله هومنز (Ritzer, 2003) و نظریه انتخاب منطقی (Saeedi, 2002): تعقیب منافع (Abdollahpour, 2017)؛ برجسته کردن پاداش‌های مالی (جذب مالی مبتنی بر برد - برد به‌عنوان یک عامل محرک در متقاعدسازی اقدام‌های زیست‌محیطی)؛ جذابیت محیط‌زیستی نادر (مانند توسل به پیشرفت فناوری و حمایت از کودکان) (Lorenzen, 2014)؛ سودمندی ادراک‌شده (Devine-Wright, 2011)؛ ارزیابی مثبت از پاداش‌های مشارکتی (Alavi Tabar, 2000)	متقاعد شدن بر مبنای کارکرد

ابعاد	مؤلفه‌ها
متقاعدسازی بر مبنای نظام ارزشی	بر مبنای ارزش‌های دینی و اخلاقی، نوع‌دوستی و رعایت انصاف، اهمیت حفاظت از محیط‌زیست و حفظ سرمایه ملی (Kolahi, 2006)
استدلال اخلاقی	استدلال مبتنی بر کنش ارتباطی برای رسیدن به تفاهم مشترک فارغ از تعقیب اهداف شخصی (Roknuddin Eftekhari & Behzadnesb, 2004, pp. 120-190); ارزیابی مخاطب (شامل دسته‌بندی افراد به گروه‌هایی که می‌رود با آنها مخالف باشند)؛ بیان جملات «احساس می‌کنم» (استفاده از گفت‌وگو اول شخص در مورد آسیب‌های زیست‌محیطی و تغییر شیوه‌ها برای تقویت همدلی و اجتناب از اتهام) (Lorenzen, 2014)
استدلال احساسی	متقاعدسازی بر مبنای همان تجربه حسی مردم از محیط اطراف (Roknuddin Eftekhari & Behzadnesb, 2004)
تبعیت از الگوها	کدخدانمشی (Abdollahpour, 2017)؛ الگو بودن (الگو بودن و شهرت افراد در یک اقدام زیست‌محیطی و اثرگذاری آن در رفتار دیگران) (Lorenzen, 2014)

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول (۴): ابعاد و مؤلفه‌های پذیرش اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی

ابعاد	مؤلفه‌ها
موافقت با اقدام‌های (سیاست‌ها و طرح‌ها)	پذیرش طرح‌های مرتبط با مردم (Talebian & et al., 2009, p. 64)؛ مشروعیت طرح؛ درک و باور؛ نظر مستقیم در مورد ویژگی‌های موجود ابعاد / مناطق اشیاء پذیرش؛ موافقت با اجرای اقدام (Leucht & et al., 2010)؛ مقاومت فرهنگی یا عدم مقاومت (Fazli, 2007)، حمایت مردم از طرح‌ها (Mistur, 2017; Lennon, 2019)؛ اعتراض طرح‌ها (Ellis, 2007)؛ به چالش کشیدن زمینه‌های کلان سیاست‌گذاری و شیوه‌های نهادی (Batel, 2017)؛ مقبولیت عمومی طرح‌ها؛ مقاومت در برابر طرح‌ها (Liu & et al., 2019)؛ تصویر مطلوب طرح در افکار عمومی (Mistur, 2017; Fournis & Fortin, 2016)؛ مقاومت در برابر طرح؛ ادراک عمومی طرح (Fournis & Fortin, 2016)
مشارکت در اقدامات (سیاست‌ها و پروژه‌ها)	اقدام به انجام رویه‌ها (Talebian & et al., 2009, p. 70)؛ مشارکت در زمینه‌های کلان سیاست‌گذاری و شیوه‌های نهادی (Batel, 2017)؛ مشارکت اجتماع در طرح (Lennon, 2019)؛ سطوح بالای مشارکت اجتماعی نشان‌دهنده پذیرش اجتماعی نوآوری (Wüstenhagen, 2007)
رضایت و نگرش نسبت به اقدامات و اجرای آنها	رضایت افراد از اجرای طرح‌ها (Askari, 2006, p. 4)؛ رضایت از نحوه اطلاع‌رسانی طرح (Talebian & et al., 2009, p. 69)؛ نگرش مثبت یا منفی به طرح (Talebian & et al., 2009, p. 69)؛ اعتقاد به لزوم محدودیت، مناسب دانستن

مؤلفه‌ها	ابعاد
طرح (Talebian & et al., 2009, p. 69)؛ اعتماد به طرح (Talebian & et al., 2009, p. 73)؛ رضایت آگاهانه؛ ارزش اجتماعی داده شده به هدف پذیرش (خوب، بد) (Leucht & et al., 2010)؛ نگرش عمومی (Ellis, 2007)؛ مطلوب یا نامطلوب ارزیابی کردن طرح (Liu, 2019)؛ برداشتهای منفی از انصاف و عدالت در جوامع تحت تأثیر (Lennon, 2019)	
پتانسیل‌های سازگاری (Leucht & et al., 2010)؛ آمادگی (Talebian & et al., 2009, p. 64)	سازگاری با شرایط و محدودیت‌ها
پذیرش فناوری (Talebian & et al., 2009, p. 64)؛ مقبولیت فناوری (Leucht & et al., 2010; Fournis & Marie-José Fortin, 2016)؛ تصاحب کم‌وبیش مؤثر یک فناوری معین (توربین‌های بادی) توسط یک بدنه اجتماعی (Fournis & Fortin, 2016)؛ جنبش‌های محلی مخالف استقرار فناوری‌ها (Lennon, 2019).	مقبولیت فناوری و محصولات

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول (۵): ابعاد و مؤلفه‌های مشارکت عمومی در سیاست‌گذاری انرژی

مؤلفه‌ها	ابعاد	معیار
تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، نظارت، اداره امور محلی	مشارکت در تصمیم‌گیری و مدیریت	نوع مشارکت (Alavi Tabar, 2000)
پرداخت عوارض، خودیاری، تأمین مالی، اوراق مشارکتی عمومی	مشارکت در تأمین مالی هزینه طرح‌ها	
فعالیت‌های یدی و غیریدی	مشارکت در تأمین نیروی انسانی	نوع مشارکت (International Association for Public Participation, 2014)
یاری رساندن به مردم جهت فهم مسئله، جایگزین‌ها، فرصت‌ها و راه‌حل‌ها	اطلاع دادن و آگاهی‌رسانی به مردم ^۱	
جایگزین‌ها و تصمیم‌ها	مشورت کردن با مردم ^۲	
درک دغدغه‌ها و آرزوهای مردم و انعکاس آنها در اتخاذ بدیل‌ها	درگیر کردن مردم ^۳	
شناسایی راه‌حل‌های ارجح و بسط بدیل‌ها	تشریک مساعی ^۴ با مردم	

1. Inform
2. Consult
3. Involve
4. Collaboration

مؤلفه‌ها	ابعاد	معیار
تفویض اختیار به شهروندان و اجرا بر مبنای تصمیم آنها	توانمندسازی ^۱ مردم	
فعالیت‌های عمرانی، امور محیط زیست، امور تأمین ایمنی، فعالیت‌های نظارتی، خدمات و امور رفاه اجتماعی	زمینه فعالیت مشارکتی (Alavi Tabar, 2000)	زمینه مشارکت
تشکل‌های خودجوش و خودانگیخته (تشکل‌های محلی، فعالیت‌های داوطلبانه خودجوش متناسب با شرایط)؛ تشکل‌های رسمی یا نسبتاً رسمی و برانگیخته (انجمن‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های صنفی و علمی) (Alavi Tabar, 2000)	-	سازمان‌دهی مشارکت

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۲. روش‌شناسی

به‌منظور شناخت سیاست‌های حوزه انرژی و واکاوی چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی در آنها از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. این روش را می‌توان «روشی تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست» (Iman & Noushadi, 2012, p. 20). رویکرد کیفی تحلیل محتوا، توصیف و تفسیر از موضوع مورد مطالعه ارائه می‌کند و اغلب در پی اظهارات بازتابی است از آنچه در جهان اجتماعی نظاره می‌شود درحالی‌که در رویکرد کمی تحلیل محتوا، ارقام و اعدادی تولید می‌شوند که به‌وسیله روش‌های آماری گوناگون ساخته می‌شوند (Iman & Noushadi, 2012, p. 22). فرایند تحلیل محتوای کیفی در این پژوهش (Iman & Noushadi, 2012; Mohammadpour, 2013) به این صورت بوده که پس از تنظیم کردن پرسش‌های تحقیق، نمونه مورد نظر که باید تحلیل کنیم تا به پرسش‌ها پاسخ داده شود، انتخاب گردید. نمونه انتخاب‌شده مشتمل بر اسناد بالادستی حوزه انرژی کشور بوده که در واقع تعیین‌کننده سیاست‌های این حوزه می‌باشند (جدول شماره ۶). از این رو نوع نمونه‌گیری ما، نمونه‌گیری هدفمند بوده به این معنا که انتخاب بر اساس مرتبط بودن به مسئله و اهداف پژوهش بوده است (Momenirad & et al., 2014, p. 62).

جدول (۶): مشخصات اسناد بالادستی حوزه انرژی مورد بررسی

عنوان سند	تاریخ تصویب	مرجع تصویب	عبارت تلخیصی جهت ارجاع در متن مقاله
برنامه یکم (۱۳۷۲-۱۳۶۸)	۱۳۶۸/۱۱/۱۱	مجلس شورای اسلامی	۱
برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴)	۱۳۷۳/۰۹/۲۰	مجلس شورای اسلامی	۲
برنامه سوم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)	۱۳۷۹/۰۱/۱۷	مجلس شورای اسلامی	۳
سیاست‌های کلی نظام در زمینه انرژی	۱۳۷۹/۱۲/۲۰	ابلاغی مقام معظم رهبری	س.ک.ن.د.ز.ا
برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴)	۱۳۸۳/۰۶/۱۱	مجلس شورای اسلامی	۴
سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف	۱۳۸۹/۰۴/۱۴	ابلاغی مقام معظم رهبری	س.ک.ا.م
برنامه پنجم (۱۳۹۴-۱۳۹۰)	۱۳۸۹/۱۰/۱۵	مجلس شورای اسلامی	۵
قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی	۱۳۸۹/۱۲/۰۴	مجلس شورای اسلامی	ق.ا.ا.م
برنامه ششم (۱۴۰۰-۱۳۹۶)	۱۳۹۶/۰۱/۱۶	مجلس شورای اسلامی	۶
سند ملی راهبرد انرژی کشور	۱۳۹۶/۰۴/۲۸	هیئت وزیران	س.م.ر.ا.ک
سند ملی آمایش سرزمین	۱۳۹۹/۱۲/۱۱	شورای عالی آمایش سرزمین	س.م.آ.س

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جهت پاسخ به پرسش‌های پژوهش، تلاش شد که ابتدا واحدهای تحلیل و معنایی در اسناد بالادستی مشخص دشو. بر اساس تعریف ایمان و نوشادی (Iman & Noushadi, 2012, p. 29)، مقداری از فضایی را که به یک موضوع یا یک عمل تحت مطالعه اختصاص می‌دهند، واحد تحلیل گفته می‌شود. همچنین بخش‌هایی از متن که جدا کدگذاری می‌شود یا هر عبارتی که در نسخه مورد مطالعه ما وجود دارد، می‌تواند به‌منزله واحد تحلیل در نظر گرفته شود. باید در نظر داشت که واحد تحلیل لازم است به اندازه‌ای باشد که به‌منزله زمینه‌ای برای واحد معنا در فرایند تحلیل در نظر گرفته شود. واحد معنا «عبارت از مجموعه‌ای از واژگان یا جمله‌ها که بتوان ارتباطی از معنایی مشابه و یکسان در آنها یافت و بر اساس این معنای مشابه آنها را تقسیم‌بندی کرد» (Iman & Noushadi, 2012, p. 29)، گفته می‌شود. در این پژوهش تمامی مواد، بند، جزء، تبصره یا هر تقسیم‌بندی دیگری از محتوای اسناد بالادستی که در رابطه با انرژی به‌طور عام و صنعت نفت، گاز و برق به‌طور خاص بوده و به نحوی به‌لحاظ پیامدها، شرایط اجتماعی را متأثر می‌کند یا مستلزم ملاحظه‌های اجتماعی و فرهنگی بوده، به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شده است. واحدهای معنایی نیز، ترکیبی از سیاست‌های مندرج در واحدهای تحلیل (مواد، بند، جزء، تبصره یا هر تقسیم‌بندی دیگری) اسناد بالادستی بوده که می‌توانند به‌عنوان

مجموعه‌ای از اقدام‌های توسعه‌ای در پیشبرد و بهبود حکمرانی انرژی تلقی شوند. در اینجا به‌طور پیشینی، چهار حوزه سیاست یا اقدام طرح‌های توسعه‌ای (اعم از تولید، انتقال و توزیع)، مدیریت مصرف، مدیریت خدمات مشترکین و مدیریت مخاطره‌ها در حوزه‌های انرژی و منابع و حامل‌های آن از فسیلی، تجدیدپذیر و برق به‌لحاظ ارتباط با پیامدها و ملاحظه‌های اجتماعی در نظر گرفته شده است. به این معنا که در هر یک واحدهای تحلیل تلاش شده تا واحدهای معنایی که در حوزه‌های مذکور هستند، استخراج گردد. منظور از طرح، هر نوع اقدامی است که با هدف توسعه تولید، انتقال و توزیع حامل‌های انرژی و بهره‌وری، بهینه‌سازی، کاهش تلفات و ارتقاء راندمان آنها در سطوح سه‌گانه انجام می‌گیرد. در واقع بیشتر بیانگر اقدام‌های فنی، فیزیکی، عمرانی و کالبدی نظیر نیروگاه‌سازی، ساخت پالایشگاه، سدسازی، شبکه انتقال و توزیع و توسعه فناوری‌های نوین در این حوزه است. مدیریت مصرف نوعی اقدام توسعه‌ای در قالب سیاست‌ها، برنامه‌ها و یا حتی اقدام‌های کالبدی، فیزیکی، عمرانی و نوآوری و فناوری‌های نوین است که با هدف بهینه‌سازی، بهره‌وری و اصلاح الگوی مصرف انرژی در عرصه‌های خانگی، عمومی، صنعت، تجاری و کشاورزی صورت می‌گیرد. مدیریت خدمات مشترکین مبتنی بر هدف بهبود درخواست خدمت توسط مردم و نیاز به تعامل دوطرفه با شرکت توزیع برق و انرژی و ضرورت خدمت‌رسانی بهینه و پیشگیری از جرایم حوزه خدمات مشترکین می‌باشد؛ برای مثال می‌توان به هوشمندسازی کنتور برق، سامانه‌های ارتباطی و ضرورت تعامل در برنامه‌ریزی خاموشی‌های برق و قطعی گاز اشاره نمود. مدیریت مخاطره دربردارنده آن دسته از اقدام‌هایی است که با هدف ایجاد ایمنی در زیرساخت‌ها، ارتقای تاب‌آوری و پیشگیری از هرگونه حوادث احتمالی و نیز مدیریت شرایطی است که در آن حادثه، بحران و یا فاجعه‌ای رخ داده باشد. پس در طرح‌های توسعه‌ای هدف بهبود تولید، توزیع و انتقال؛ در مدیریت مصرف، هدف صرفه‌جویی، بهینه‌سازی و اصلاح الگوی مصرف در میان مشترکین؛ در مدیریت خدمات مشترکین، هدف ارتقاء ارائه خدمات بهتر به مشترکین و در مدیریت مخاطره هدف پیشگیری و به حداقل رساندن مخاطره‌ها و ارتقاء تاب‌آوری در زنجیره انرژی است که همه موارد تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، اجرا، بهره‌برداری و ارزیابی را دربرمی‌گیرد. پس از استخراج هر یک از واحدهای معنایی و دسته‌بندی آنها بر اساس مواردی که اشاره شد، این موضوع بررسی خواهد شد که در هر یک از اقدام‌ها، چه سازوکارها و مؤلفه‌های اجتماعی، به‌لحاظ ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، ایفاء مسئولیت اجتماعی،

متقاعدسازی مردم، پذیرش اجتماعی و جلب مشارکت عمومی اعمال شده است. در صورت عدم اعمال آن، پیشنهاد داده خواهد که چه مواردی در جهت تقویت رویکرد اجتماعی آن سیاست و اقدام، لازم است اعمال گردد. پس برای استخراج مقوله‌های مربوط به اقدام‌ها و نیز مؤلفه‌های رویکرد اجتماعی، به دو صورت باید کدگذاری کرد. در کدگذاری بخش اقدام‌ها از رویکرد تحلیل محتوای کیفی استقرایی و در بخش اعمال رویکرد اجتماعی از رویکرد تحلیل محتوای کیفی قیاسی استفاده کرده‌ایم. در بخش اقدام‌ها، چون مقوله‌های مرتبط با اقدام‌ها در موارد چهارگانه که اشاره شد، چندان مشخص نیست پس رویکرد استقرایی مناسب می‌باشد، اما در بخش اعمال رویکرد اجتماعی، بر اساس مؤلفه‌های رویکرد اجتماعی (جداول یک تا پنج)، مقوله‌ها را استخراج می‌کنیم و درواقع مبنای کار ما قیاسی خواهد بود.

رویکرد استقرایی یا تحلیل محتوای عرفی، معمولاً در مطالعاتی به‌کار برده می‌شود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی است که نظریه‌های موجود یا ادبیات پژوهش درباره پدیده مورد مطالعه محدود باشد. پژوهشگران اغلب از مقوله‌های پیش‌پنداشته می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این حالت، محققان خودشان را بر داده‌ها شناور می‌کنند تا شناختی بدیع برایشان حاصل شود؛ بنابراین از طریق استقرا، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند. این عمل اغلب موجب می‌شود که طرح‌ریزی کدها از متن ظهور یابد و سپس بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مقوله‌بندی شوند. این مقوله‌بندی از سازمان‌دهی و گروه‌بندی کردن کدها به‌صورت خوشه‌های معنادار دسته‌بندی می‌شود. بسته به کیفیت ارتباط بین زیرمقوله‌ها، محقق می‌تواند با ترکیب و سازمان‌دهی این زیرمقوله‌ها، آنها را به شمار کمتری از دسته‌بندی (مقوله) تبدیل کند (Iman & Noushadi, 2012, pp. 22-23). در رویکرد تحلیل محتوای کیفی قیاسی یا جهت‌دار که نسبت به رویکردهای دیگر از فرایند ساختارمندتری برخوردار است، پژوهشگر با به‌کاربردن نظریه‌های موجود یا پژوهش‌های پیشین، مقوله‌هایی را تعیین نموده و بر اساس سؤال‌های خود، کدهای مرتبط با مقوله‌ها را از واحدهای معنایی استخراج می‌نماید (Iman & Noushadi, 2012, p. 25). در این رویکرد از تحلیل محتوای کیفی، برعکس رویکرد استقرایی، «مقوله‌ها در آخر پژوهش به‌دست نمی‌آیند بلکه محقق با مفروض گرفتن برخی تعاریف و تعمیم‌ها به‌عنوان طبقات، متن مورد نظر را به‌صورت کیفی تحلیل می‌کند و به دنبال مصادیقی از تعاریف و تعمیم‌ها در کل متن می‌گردد» (Momenirad & et al., 2014,)

212 p). «ابزار اصلی و محوری تحلیل محتوا، نظام مقوله‌های آن است. هر واحدی در تحلیل باید کدبندی شود، یعنی در قالب یک یا چند مقوله قرار بگیرد. مقوله به تعریف کمابیش عملیاتی شده عناصر متن اطلاق می‌شوند» (Mohammadpour, 2013, p. 104). فرایند کدگذاری که پس از تعیین نظام مقوله‌ها آغاز می‌گردد، مبنی بر شناسایی واحدهای معنایی مرتبط و اختصاص آن به مقوله‌هاست (Mohammadpour, 2013, p. 105).

ارزیابی قابلیت اعتماد و تحلیل کردن نتایج حاصل از این فرایند، مراحل پایانی پژوهش می‌باشد. به‌منظور ارزیابی اعتبار کدگذاری‌ها تلاش شده تا با استفاده از معیارهای ارزیابی پژوهش کیفی؛ باورپذیری^۱ (اینکه نتایج از چه داده‌ها، مقوله‌ها و کدهایی به‌دست آمده)، انتقال‌پذیری^۲ (اقناع دیگران به انتقال‌پذیر بودن آن در زمینه‌های دیگر)، وابستگی^۳ (برخوردار بودن نتایج بایستی از ثبات نسبی در طول زمان) و تأییدپذیر بودن^۴ (تأیید داده‌های مورد بررسی پژوهشگر توسط خوانندگان) نتایج تأمین گردد. مثل هر پژوهش دیگری بعد از به دست آوردن نتایج حاصل از این روش، برون‌دادهای آن می‌تواند در مظان داوری پژوهشگر و دیگران قرار گیرد (Momenirad & et al., 2014, pp. 216-217). به این منظور سعی شده، مقوله‌بندی، جامع و مانع بوده و کدگذاری توسط چند پژوهشگر انجام شده و توسط متخصصان ارزیابی مجدد گردد. با این اقدام‌ها، سوگیری را به حداقل رسانده و زمینه پذیرش نتایج فراهم شده است.

۳. یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل محتوای کیفی استقرایی اسناد بالادستی مورد مطالعه، بیشتر سیاست‌ها و اقدام‌ها حوزه انرژی در دو کلان‌حوزه طرح‌های توسعه‌ای و مدیریت مصرف قرار می‌گیرند و دو حوزه خدمات مشترکین و مدیریت مخاطره‌ها از مصادیق بسیار کمی برخوردار بودند؛ بنابراین یافته‌های پژوهش بر مبنای دو حوزه طرح‌های توسعه‌ای و مدیریت مصرف ارائه و تحلیل شده است. همان‌طور که در جداول ۷ تا ۱۶ مشاهده می‌شود، نحوه تحلیل به این صورت بوده که در هر دو حوزه کلان چه اقدام‌هایی وجود دارد و چه مواردی از رویکرد اجتماعی شده و اگر اعمال نشده چه مواردی را می‌توان پیشنهاد داد.

1. Credibility
2. Transferability
3. Dependability
4. Conformability

۳-۱. طرح‌های توسعه‌ای

طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع انرژی را می‌توان در چهار حوزه توسعه صنعت نفت و گاز (اقدام‌ها: اکتشاف و افزایش بهره‌برداری، افزایش بهره‌وری در زنجیره)، توسعه صنعت برق (اقدام‌ها: تأمین عرضه برق، ارتقا بهره‌وری و بهینه‌سازی زنجیره)، توسعه تولید پراکنده، توسعه برق پاک و تجدیدپذیر)، توسعه حوزه عام انرژی (اقدام‌ها: تأمین عرضه انرژی، ارتقاء بهره‌وری و بهینه‌سازی زنجیره، توسعه خدمات انرژی، توسعه فناوری هسته‌ای در تولید انرژی) و طرح‌های توسعه‌ای خدمات‌رسانی و محرومیت‌زدایی دستگاه‌های متولی انرژی (اقدام‌ها: توسعه مناطق محروم و حمایت اقشار آسیب‌پذیر، توسعه مناطق نفت‌خیز، تسهیلات رفاهی) دسته‌بندی نمود. تکلیف حوزه نفت به طرح‌های توسعه‌ای خدمات‌رسانی و محرومیت‌زدایی و نیز تکلیف حوزه برق به برق‌رسانی به مناطق روستایی و محروم، اقدام‌های مهمی در حوزه ایفاء مسئولیت اجتماعی این حوزه‌ها به‌لحاظ توانمندسازی و عدالت و امنیت انرژی تلقی می‌گردد که در مجموع برنامه‌های توسعه بر آن تأکید شده است. سیاست توسعه مناطق نفت‌خیز از برنامه چهارم به بعد و نیز در سند ملی راهبرد انرژی کشور دنبال می‌شود که به‌لحاظ اجتماعی، آثار مثبتی بر توانمندسازی، ارتقاء مهارت‌ها، رعایت حقوق شهروندی، حفظ هویت محلی، پیشگیری از مهاجرت و اشتغال بومیان خواهد داشت. اگرچه ارزیابی تأثیرهای اجتماعی چنین اقدام‌ها و جلب مشارکت جامعه هدف در این سیاست مغفول مانده است. ارزیابی تأثیرهای اجتماعی به‌عنوان ایده‌ای که در پی شناخت آثار مثبت و منفی طرح‌های توسعه‌ای و جبران و تعدیل خسارت‌ها بر اجتماع است در همه طرح‌های توسعه‌ای صنعت نفت، گاز و برق مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

اکتشاف و افزایش بهره‌برداری نفت و گاز به‌عنوان سیاستی که در تمامی برنامه‌های توسعه و نیز سیاست‌های کلی نظام در زمینه انرژی، سند ملی راهبرد انرژی کشور و قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی مورد تأکید بوده، گام مهمی در توانمندسازی به‌لحاظ توسعه زیرساخت‌ها می‌باشد. اگرچه مشارکت مالی مورد توجه بوده اما دیگر ابعاد مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و اجرا نادیده گرفته شده است. در مجموع طرح‌های توسعه انرژی چه در نفت و گاز و چه در برق، فاقد هرگونه سیاست مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و اجرا به‌لحاظ ابعاد مدیریتی (سیاست‌گذاری و اجرا) می‌باشد. در واقع مشارکت در معنای کلان خود به مشارکت

در تأمین مالی و منابع فروکاسته شده است؛ بنابراین اگرچه تضمین مشارکت در تأمین برق و حتی احداث پالایشگاه و صنایع پایین‌دستی نفت و گاز مورد تأکید است، اما سیاستی مبنی بر تضمین امکان مشارکت مشترکان و ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری و متقاعدسازی و اقناع آنان وجود ندارد و در صورت وجود متقاعدسازی نیز، پاداش‌های مالی مورد توجه بوده است. در سیاست توسعه فناوری هسته‌ای در تولید انرژی، رویکرد اجتماعی به لحاظ ارتقاء سرمایه اجتماعی، فرهنگ‌سازی و ترویج (آگاه‌سازی و آموزش)، رضایت و نگرش نسبت به اقدام‌ها و اجرای آنها (نگرش عمومی)، پذیرش فناوری، تضمین امکان مشارکت، جلب مشارکت عمومی و رعایت حقوق شهروندی (حفاظت از ایمنی و سلامت) در برنامه‌های توسعه اخیر، سیاست‌های کلی نظام در زمینه انرژی و سند ملی راهبرد انرژی کشور، مورد توجه جدی بوده است. صنعت نفت و گاز و برق در مقایسه با حوزه هسته‌ای، از سیاست اجتماعی مشخصی برخوردار نیست. این موضوع نه تنها در سیاست توسعه انرژی طرح‌های بزرگ‌مقیاس بلکه در سطوح خردتر و میانی نیز مثل توسعه صنعت برق مبتنی بر تولید پراکنده و تولید تجدیدپذیر به فراموشی سپرده شده است. سیاست توسعه انرژی تجدیدپذیر در سیاست‌های کلی نظام در زمینه انرژی و سپس سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و برنامه پنجم توسعه و قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و بعداً در برنامه ششم توسعه، سند ملی راهبرد انرژی کشور و سند ملی آمایش سرزمین مورد توجه قرار گرفته است. علی‌رغم این چرخش قابل توجه در سیاست‌های تأمین انرژی از نگرش فسیلی‌محور به نگرش تجدیدپذیرمحور و تداوم تأکید بر آن در اسناد بالادستی اخیرتر؛ اما همچنان رویکرد اجتماعی آن‌گونه که انتظار می‌رفت در این بخش اعمال نشده است. تولید پراکنده نیز که در برنامه پنجم و سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف مورد تأکید بوده از همین فقدان رنج می‌برد. اجتماعی شدن سیاست توسعه انرژی تجدیدپذیر مستلزم آگاه‌سازی و آموزش، ایجاد تصویر مطلوب در افکار عمومی، پذیرش فناوری و تضمین مشارکت عمومی در فرایندها فراتر از جنبه‌های مالی آن می‌باشد. در واقع توسعه تجدیدپذیر در مقایسه با منابع بزرگ‌مقیاس به لحاظ مشارکت مردم در فرایندها و راهبری آن توسط آحاد مردم مستلزم توجه بیشتری به سیاست‌گذاری اجتماع‌محور می‌باشد.

جدول (۷): اقدام‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع صنعت نفت و گاز در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ ارزیابی تأثیرهای اجتماعی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش	توانمندسازی / توسعه زیرساخت‌ها؛ رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ عدالت و امنیت انرژی / دسترسی / آمایش سرزمین؛ جلب مشارکت مالی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش؛ جلب مشارکت مالی؛ دادرسی عادلانه / تضمین امکان مشارکت مالی	۳، ۴، ۵، ۶، س.ک.ن.د.ز.ا، س.م.ر.ا.ک، ق.ا.ا.ا.	اکتشاف و افزایش بهره‌برداری؛ گسترش اکتشاف نفت و گاز، توسعه میدان‌های آن و حداکثر کردن تولید و بهره‌برداری از میدان‌های مشترک و افزایش بازیافت مخازن نفت و گاز و الزام به افزودن سامانه بازیافت انرژی تولید همزمان در پالایشگاه‌ها و صنایع پایین‌دستی و افزایش ظرفیت تولید گاز و جانشینی آن با سوخت‌های انرژی‌زا و الزام دولت به فراهم نمودن تمهیدات فعالیت بخش خصوصی و تعاونی در احداث پالایشگاه و تولید سایر محصولات وابسته و واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار و... گازهای همراه تولید و مشعل
	توانمندسازی / ارتقاء مهارت‌ها، قابلیت‌ها و دانش / توسعه زیرساخت‌های سازمانی و نهادی	س.م.ر.ا.ک	افزایش بهره‌وری در زنجیره؛ از طریق توسعه و توانمندسازی سرمایه انسانی، فناوری و نظام‌های مدیریتی و کاربری تجهیزات روزآمد جهانی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۸): طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع صنعت برق در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
عدالت و امنیت انرژی / زیرساختی؛ متقاعدسازی؛ کارکردی / پاداش؛ الگوهای پایداری / حفاظت فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ جلب مشارکت مالی؛ دادرسی عادلانه / تضمین امکان مشارکت مالی		۲، ۳، ۴، ۵، ۶	تأمین عرضه برق: حداکثر بهره‌گیری از منابع انرژی اولیه تأمین برق، تشویق مؤسسه‌های عمومی داخلی غیردولتی، تعاونی و خصوصی به تولید هر چه بیشتر نیروی برق و احداث نیروگاه و الزام دولت به خرید تضمینی
ارزیابی تأثیرهای اجتماعی؛ تاب‌آوری اجتماعی؛ رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست	-	س.م.ر.ا.ک، ق.ا.ا.۱	ارتقا بهره‌وری و بهینه‌سازی زنجیره: کاهش تلفات توزیع برق، ارتقای سطح امنیت و پایداری در شبکه سراسری، ارتقا راندمان نیروگاه‌های حرارتی و الزام نیروگاه‌ها به افزودن سامانه بازیافت انرژی تولید همزمان
متقاعدسازی کارکردی / ادراک پاداش؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ مشارکت مالی؛ عدالت و امنیت در دسترسی به انرژی؛ دادرسی عادلانه / تضمین امکان مشارکت مالی	متقاعدسازی کارکردی / سودمندی؛ مشارکت در اقدام‌ها / مشارکت در طرح؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش؛ مقبولیت فناوری / پذیرش فناوری دادرسی عادلانه / تضمین مشارکت عمومی در فرایندها؛ جلب مشارکت عمومی	۵، س.ا.ا.م	توسعه تولید پراکنده: گسترش تولید پراکنده و کوچک‌مقیاس و پربازده برق و حمایت از توسعه نیروگاه‌های با مقیاس کوچک تولید برق
فرهنگ‌سازی و ترویج؛ آگاه‌سازی و آموزش؛ الگوهای پایداری / ایجاد سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط؛ پذیرش فناوری؛ دادرسی عادلانه / تضمین مشارکت عمومی در فرایندها؛ مشارکت عمومی	فرهنگ‌سازی و ترویج / آموزش / آگاه‌سازی و آموزش؛ الگوهای پایداری / ایجاد سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط؛ پذیرش فناوری؛ دادرسی عادلانه / تضمین مشارکت عمومی در فرایندها؛ مشارکت عمومی	۵، ۶، س.ک.ن.د.ز.ا، س.م.آ.س، س.ا.ا.م، ق.ا.ا.۱، س.م.ر.ا.ک	توسعه برق پاک و تجدیدپذیر: کسب فناوری و دانش فنی انرژی‌های نو، ایجاد نیروگاه، افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر، بهره‌گیری حداکثری از منابع و ظرفیت‌های انرژی تجدیدپذیر محلی، اعلام به‌صورت عمومی از کاربرد اقتصادی منابع تجدیدشونده در سامانه‌های مجزای از شبکه با هدف ترویج آنها، افزایش سهم منابع انرژی کم کربن در سبد انرژی کشور، حمایت لازم از تجاری‌سازی فناوری‌های انرژی‌های

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
	تضمین امکان مشارکت مالی؛ عدالت و امنیت / دسترسی به انرژی / آمایش سرزمین		تجدیدپذیر و دوستدار محیط‌زیست و حمایت از بخش‌های خصوصی و تعاونی در خرید تضمینی برق و ایجاد زیرساخت‌های تولید تجهیزات و توسعه

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۹): طرح‌های توسعه‌ای عرصه تولید، انتقال و توزیع انرژی (حوزه عام انرژی) در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
ارزیابی تأثیرهای اجتماعی؛ تاب‌آوری اجتماعی	توانمندسازی / توسعه زیرساختی؛ رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط؛ جلب مشارکت عمومی / مالی؛ عدالت و امنیت / دسترسی به انرژی / آمایش سرزمین؛ دادرسی عادلانه / تضمین مشارکت عمومی و مالی	س.م.ر.ا.ک، س.م.آ.س، ق.ا.ا.م.ا	تأمین عرضه انرژی؛ افزایش ظرفیت‌های جدید، افزایش امنیت عرضه انرژی مطمئن، پایدار و با کیفیت و مشارکت گسترده بخش غیردولتی در عرضه انرژی و افزایش مشارکت عمومی و خصوصی در شبکه انرژی محلی، منطقه‌ای و ملی
ارزیابی تأثیرهای اجتماعی	رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ توانمندسازی / ظرفیت‌سازی اقتصادی؛ عدالت و امنیت / دسترسی به انرژی	س.م.ر.ا.ک، س.م.آ.س، ق.ا.ا.م.ا، ۴	ارتقاء بهره‌وری و بهینه‌سازی زنجیره: کاهش ضایعات و تلفات، هدررفت و افزایش بازافت در زنجیره، بهبود روش‌های انتقال حامل‌های انرژی، ایجاد حداکثر ارزش‌افزوده از منابع انرژی اولیه از طریق تعریف و استقرار زنجیره ارزش با امکان‌سنجی فنی، اقتصادی و ملاحظه‌های زیست‌محیطی، تولید و تبدیل حامل‌های انرژی با ارزش افزوده بالاتر، استفاده بهینه از منابع و ظرفیت‌ها، ارتقای فناوری در تجهیزات و فرایندهای زنجیره، کاهش میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌ها

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
توانمندسازی / فرهنگ‌سازی / آگاه‌سازی و ظرفیت‌سازی اقتصادی / آموزش / سیاست تشویق و آمایش سرزمین؛ جلب مشارکت مالی	توانمندسازی / فرهنگ‌سازی / آگاه‌سازی و آموزش / سیاست تشویق و آمایش سرزمین؛ جلب مشارکت مالی	س.م.آ.س	توسعه خدمات انرژی؛ ظرفیت‌سازی گسترش کسب و کارهای دانش‌بنیان در حوزه خدمات انرژی و تقویت و سازمان‌دهی بازار رقابتی
تاب‌آوری اجتماعی؛ رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست	توانمندسازی / توسعه زیرساخت‌ها / ارتقاء قابلیت‌ها / مهارت‌ها و دانش / ارتقاء سرمایه اجتماعی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش؛ رضایت و نگرش نسبت به اقدام‌ها و اجرای آنها / نگرش عمومی؛ مقبولیت فناوری / پذیرش فناوری؛ دادرسی عادلانه / تضمین امکان مشارکت؛ جلب مشارکت عمومی؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	س.ک.ن.د.ز.ا، ۵، ۶، س.م.ر.ا.ک	توسعه فناوری هسته‌ای در تولید انرژی؛ کسب فناوری و توسعه دانش هسته‌ای، ایجاد و مکان‌یابی نیروگاه‌ها، تربیت نیروهای متخصص، الزام دولت به ارتقای آگاهی‌ها و پذیرش اجتماعی و مشارکت‌افزایی در دستیابی به توسعه پایدار برق هسته‌ای و هماهنگی اجتماعی، حصول اطمینان از ایمنی تأسیسات و فعالیت‌های پرتویی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۰): طرح‌های توسعه‌ای خدمات‌رسانی و محرومیت‌زدایی دستگاه‌های متولی انرژی در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
عدالت و امنیت انرژی / در رعایت الگوهای پایداری / دسترسی بودن / آمایش سرزمین؛ توانمندسازی / امکانی / زیرساخت‌های توسعه ظرفیت‌سازی اقتصادی و انرژی‌های پاک	رفاهی / تأمین اجتماعی / ارتقاء معیشتی؛ برابری بین نسلی / دسترسی منصفانه و عادلانه؛ زمینه جمعیتی / اقصا	۵، ۴، ۲، ۱	توسعه مناطق محروم و حمایت اقشار آسیب‌پذیر؛ برقرسانی و گازرسانی به مناطق روستایی و محروم؛ ایجاد تعادل منطقه‌ای و احیاء بخش‌های محروم با تخفیف در برق و گاز، کمک مستقیم و جبرانی از طریق نظام تأمین اجتماعی به اقشار آسیب‌پذیر ناشی از منابع حاصله از

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام	
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده			
			قیمت‌گذاری و اختصاص درآمد حاصله به شهرستان‌ها و مناطق کمتر توسعه‌یافته	
<p>توانمندسازی / ظرفیت‌سازی / جلب مشارکت عمومی؛ ارزیابی زیرساختی و رفاهی / ارتقاء تأثیرهای اجتماعی؛ رعایت مهارت‌ها؛ رعایت حقوق شهروندی / جبران خسارت / محیط‌زیست</p> <p>برابری و انصاف / حفظ هویت محلی (جغرافیا)؛</p> <p>زمینه توسعه امکانی / توجه به خدمات اجتماعی / ملاحظه زیرساخت‌های توسعه؛ زمینه جمعیتی / پیشگیری از مهاجرت / نرخ اشتغال؛ عدالت و امنیت انرژی / آمایش سرزمین</p>		<p>۴، ۵، ۶، س.م.را.ک</p>	<p>توسعه مناطق نفت‌خیز: اختصاص دو درصد از درآمد حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی به استان‌های نفت‌خیز، گسترش فعالیت‌های اقتصادی در مناطق و سواحل جنوبی با از ظرفیت‌های صنعت نفت و گاز، اولویت به‌کارگیری نیروهای بومی استانی در پروژه‌های حوزه انرژی، سازمان‌دهی جدید استقرار جمعیت و فعالیت‌ها در حاشیه جنوبی کشور بر مبنای بهره‌گیری از منابع غنی نفت و گاز (بهره‌گیری از قابلیت‌های سرزمین)</p>	
	<p>عدالت و امنیت انرژی / دسترسی؛ رعایت حقوق شهروندی / حفظ هویت مذهبی / دسترسی همگان؛ توانمندسازی / توسعه ظرفیت‌های زیرساختی؛ تاب‌آوری اجتماعی؛ ملاحظه زمینه توسعه‌ای سبکی / توجه به هویت</p>		<p>۳، ۴، ۱.۱.۱.ا</p>	<p>تسهیلات رفاهی: الزام وزارت نفت و راه و ترابری به احداث مسجد و نمازخانه و مدیریت و نگهداری آن در پایانه‌های مسافری و پمپ‌بنزین‌های بین شهری، کاهش نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای و تجهیز شبکه فوریت‌های پزشکی، ایجاد جایگاه‌های عرضه سوخت در مجتمع‌های خدمات بین‌راهی</p>

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۳-۲. مدیریت مصرف

تحلیل محتوای سیاست‌های مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی بیانگر آن است که مدیریت مصرف با هدف بهینه‌سازی مصرف انرژی و اصلاح الگوی مصرف، سیاست‌های مختلفی را مبتنی بر اقدام‌های متعدد دنبال می‌کند (جدول ۱۱-۱۶). در مجموع می‌توان شش سیاست را با عنوان سیاست‌های قیمتی (اقدام‌ها: افزایش سالانه قیمت برق، افزایش قیمت خارج از الگو و اصلاح تدریجی و واقعی کردن قیمت)، سیاست‌های فناورانه (اقدام‌ها: تولید محصولات و جایگزینی آنها، بهینه‌سازی و ارتقاء فناوری، سامانه‌ها و فرایندهای کاری فناورانه و هوشمندسازی)، سیاست‌های سازمانی و نهادی (اقدام‌ها: تنظیم برنامه کاری، نوآوری مدیریتی، شکل‌گیری نهادهای مردمی، توسعه شرکت‌های خدمات انرژی و توسعه دانش‌بنیان)، سیاست‌های استانداردسازی (اقدام‌ها: استانداردسازی تجهیزات، استانداردسازی ساختمان، استانداردسازی فرایندها، استانداردسازی کیفیت سوخت و تدوین الگوی مصرف استاندارد)، سیاست‌های فرهنگی (اقدام‌ها: آموزش‌های تخصصی و عمومی، اطلاع‌رسانی عمومی اطلاعات، آموزش در دوره‌های تحصیلی و فنی و حرفه‌ای، آموزش عمومی از طریق ظرفیت‌های فرهنگی، هنری، آموزشی و رسانه) و سیاست‌های کالبدی (اقدام‌ها: جانمایی و ایجاد مراکز جمعیتی و خدماتی، سامان‌دهی حمل‌ونقل و مقاوم‌سازی مسکن) نام برد. آن‌طور که پیداست اسناد بالادستی در این حوزه سعی بر تدوین تمامی سیاست‌های ممکن را داشته‌اند. معمولاً سیاست قیمتی در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم با تأکید بر افزایش قیمت خارج از الگو که به نوعی مبتنی بر تشویق و تنبیه بود دنبال می‌شد که در قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی نیز مورد تأکید جدی قرار گرفته است. برنامه ششم توسعه و سند ملی راهبرد انرژی کشور که در واقع اخیرترین اسناد بالادستی در این حوزه هستند اصلاح تدریجی و واقعی کردن قیمت را مدنظر داشته‌اند. در این راستا این دو سند در این اقدام سیاستی قیمتی، رویکرد اجتماعی را به لحاظ ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی (زمینه‌های جمعیتی، هویتی (جغرافیایی و نوع اقشار)، نهادی، توسعه امکانی)، عدالت و امنیت انرژی، ارزیابی تأثیرهای اجتماعی، توانمندسازی، رعایت حقوق شهروندی و رعایت الگوهای پایداری اعمال کرده‌اند. به نوعی باید گفت سیاست‌های قیمتی با اتخاذ رویکرد اجتماعی در این اسناد، صرفاً نگاه اقتصادی به موضوع ندارد بلکه تلاش دارد تا در بستری اجتماعی آن را عملیاتی نماید.

برخی از سیاست‌های مدیریت مصرف، بیانگر تحول‌های پارادایمی در عرصه علم و فناوری و نیز حکمرانی انرژی است و بنابراین متأخرتر از سیاست‌های متعارف این حوزه به‌نظر می‌رسند. سیاست‌های فناورانه که از دهه نود به بعد بروز و ظهور کرده‌اند از جمله این موارد هستند. مشکلی که به‌لحاظ اتخاذ رویکرد اجتماعی در این نوع از اقدام‌ها وجود دارد، نادیده گرفتن آگاه‌سازی و آموزش، پذیرش فناوری و امنیت و عدالت انرژی از نظر امکان خرید برای مردم می‌باشد.

در کل، آگاه‌سازی و آموزش در تمامی سیاست‌ها حلقه مفقوده به‌نظر می‌رسد. این موضوع جدا از سیاست‌های فرهنگی که خود بخشی از سیاست‌های مدیریت مصرف هستند، می‌باشد؛ زیرا به‌نظر می‌رسد هر اقدامی که با هدف مدیریت مصرف تعریف و تدوین گردد نیازمند آموزش و آگاه‌سازی می‌باشد. نکته مهمی که در حوزه سیاست‌های فرهنگی مدیریت مصرف وجود دارد تأکید جدی بر آن در برنامه دوم توسعه بود که در دیگر برنامه‌ها و اسناد بالادستی کنار گذاشته شد تا اینکه در سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف و قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی مورد توجه دوباره قرار گرفت. سیاست‌های فرهنگی تلاش دارند تا در عرصه‌های مختلف با تأکید بر تشویق و تنبیه، آگاه‌سازی و آموزش، نهادسازی، جامعه‌پذیری، الگوسازی و نوآوری رفتاری و توانمندسازی (ارتقاء دانش و مهارت‌ها) زمینه فرهنگ صرفه‌جویی و بهینه‌سازی را فراهم نمایند و مردم را به مقابله با فرهنگ اسراف و تبذیر و پرهیز از تجمل‌گرایی فراخوانی کنند. البته نباید فراموش کرد که تضمین مشارکت مردم در فرایندها و ملاحظه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در این عرصه ضروری است. نکته مهمی که در بخش استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، آموزش، رسانه و هنر وجود دارد و لازم است که در برنامه‌های آتی با جدیت دنبال شود، موضوع ظرفیت‌های فرهنگی به‌ویژه در سطح محلی است. خبرگان محلی و افراد ذی‌نفوذ در این عرصه، نقشی مهمی در راهبری و جلب مشارکت در ترویج فرهنگ صرفه‌جویی خواهند داشت. به‌نظر می‌رسد اتخاذ رویکرد محلی مبتنی بر دانش بومی و سنت‌های مشارکتی موجود، به مراتب اثرگذارتر از سیاست‌های کلان‌نگرانه در این حوزه باشد.

در زمینه سیاست‌های استانداردسازی، برخی از اقدام‌ها مانند استانداردسازی تجهیزات و ساختمان، به نوعی در تمامی برنامه‌های و دیگر اسناد بالادستی مورد تأکید جدی بوده، اما استانداردسازی فرایندها، کیفیت سوخت و تدوین الگوی مصرف استاندارد در قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی مصوب شده است. استانداردسازی به‌لحاظ اثرهای اجتماعی، گامی در جهت رعایت الگوهای پایداری و

رعایت حقوق شهروندی به‌لحاظ حفظ ایمنی و سلامت می‌باشند. از منظر بسترسازی برای پذیرش استانداردها سیاست چندان مشخصی تدوین نشده است. نکته مهمی که در این بخش وجود تدوین الگوی استاندارد مصرف حامل‌های انرژی است که بر ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در تدوین آن تأکید شده است.

در حوزه سیاست‌های سازمانی و نهادی برای مدیریت مصرف، در برنامه‌های دوم تا چهارم توسعه بر تنظیم برنامه کاری صنف و صنعت تأکید می‌شد، هر چند برای پذیرش آن و نیز متقاعدسازی صاحبان این حوزه حداقل به‌لحاظ کارکردی و پاداش مالی، قیدی تعریف نشده بود. نوآوری در مدیریت سازمانی مبتنی بر مدیریت سبز گامی دیگر در جهت صرفه‌جویی بوده که از برنامه چهارم توسعه به بعد تدوین شده است. این اقدام علاوه بر رعایت الگوهای پایداری، به‌لحاظ فرهنگ‌سازی و ترویج در مدیریت مصرف، یک نوع الگوسازی و نوآوری رفتاری تلقی می‌گردد که می‌تواند در میان اصناف و صنایع و نیز آحاد جامعه ترویج و توسعه داده شود. شکل‌گیری نهادهای مردمی جهت ارتقاء کارایی انرژی از جمله نوآوری‌های حکمرانی در مدیریت مصرف است که در سیاست‌های اصلاح الگوی مصرف مورد توجه قرار گرفت. در این زمینه در رویه‌های اجرایی تأکید بر شناسایی نهادهای مردمی به‌ویژه سمن‌های حوزه محیط‌زیست و انرژی که از ظرفیت در پیشبرد این امر برخوردار هستند، ضرورت دارد. همین‌طور در همین سیاست‌ها و نیز قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی و سند ملی راهبرد انرژی کشور، ترویج و گسترش فرهنگ صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف انرژی از طریق تشکیل شرکت‌های خدمات انرژی تصویب شده است. در هر صورت تأکید بر نهادهای مردمی و نیز شرکت‌های خدمات انرژی و در کنار تأکید سند ملی آمایش سرزمین بر توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در این زمینه، نوعی تحول و اتخاذ رویکرد نو در حکمرانی محسوب می‌گردد که می‌توان آنها را اقدام‌های نهادی و سازمانی پیشرو در بهینه‌سازی مصرف دانست.

علاوه بر سیاست‌هایی که اشاره شد تأکید بر اقدام‌های کالبدی نیز در دستور کار قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی قرار گرفته است که سعی در فراهم نمودن بسترهای حمل‌ونقل عمومی، تردد وسایل نقلیه بدون ایجاد آلودگی هوا، سامان‌دهی ترافیک و جانمایی و ایجاد مراکز جمعیتی و خدماتی دارد تا مصرف انرژی را با این اقدامات بتوان تا حد امکان کاهش داد. این اقدام‌ها گام مهمی در رعایت الگوهای پایداری، رعایت حقوق شهروندی و توانمندسازی به‌لحاظ فراهم کردن زیرساخت‌های توسعه و رفاه می‌باشد.

جدول (۱۱): اقدام‌های قیمتی مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
قابلیت خریداری	فرهنگ‌سازی و ترویج / عدالت و امنیت انرژی / سیاست تشویق و تنبیه	۲	افزایش سالانه قیمت برق: افزایش ۲۰ درصدی سالانه تعرفه برق
خریداری؛ رضایت و نگرش رعایت حقوق شهروندی / نسبت به اقدام‌ها / رضایت برابری و انصاف؛ توانمندسازی عمومی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش / الگوسازی و نوآوری رفتاری	فرهنگ‌سازی و ترویج / عدالت و امنیت انرژی / سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی / برابری و انصاف؛ توانمندسازی عمومی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / ارتقاء سرمایه اقتصادی؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش	۱، ۲، ۴، ق.ا.ا.م.	افزایش قیمت خارج از الگو: حمایت از خانوارهای کم‌مصرف در انرژی برق و ثابت یا کم ماندن قیمت مشترکین کم‌مصرف، اعمال نرخ‌های مختلف در حامل‌های انرژی و افزایش قیمت متناسب و تصاعدی برای مصرف بالاتر از حداقل مورد نیاز
فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش	ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی / زمینه‌های جمعیتی / هویتی (جغرافیایی و نوع اقشار) / نهادی (اقتصاد) / توسعه امکاناتی (زیرساخت‌های توسعه)؛ عدالت و امنیت انرژی / آمایش سرزمین؛ ارزیابی تأثیرهای اجتماعی؛ توانمندسازی / ظرفیت‌سازی اقتصادی و زیرساختی / تأمین اجتماعی؛ رعایت حقوق شهروندی / حمایتی / برابری و انصاف؛ رعایت الگوهای پایبندی / حفاظت از محیط‌زیست	۶، س.م.ر.ا.ک	اصلاح تدریجی و واقعی کردن قیمت: اصلاح تدریجی قیمت حامل‌های انرژی و واقعی کردن قیمت نسبی آنها با رعایت ملاحظه‌های اجتماعی و اقتصادی و حفظ مزیت نسبی و رقابتی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۲): اقدام‌های فناورانه مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش؛ مقبولیت فناوری / پذیرش فناوری؛ عدالت و امنیت انرژی / قابلیت خریداری	فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش؛ توانمندسازی / ارتقاء قابلیت‌ها	۵، ۶، ق.ا.ا.م.ا.	تولید محصولات و جایگزینی آنها: تولید محصولات کم‌مصرف و با استاندارد بالا و جایگزینی محصولات کم‌بازده، فرسوده و پرمصرف در عرصه صنعتی و کشاورزی
مشارکت در اقدام‌ها / اقدام به انجام رویه‌ها؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش؛ عدالت و امنیت انرژی / قابلیت خریداری	توانمندسازی / توسعه ظرفیت‌های زیرساختی و اقتصادی / ارتقاء سرمایه اقتصادی / ارتقاء قابلیت‌ها؛ رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش	۴، ۶، ق.ا.ا.م.ا. س.م.آ.س	بهبودسازی و ارتقاء فناوری: بهبودسازی و کمک به اصلاح، نوسازی، بازسازی و ارتقای فناوری واحدهای صنعتی، ناوگان حمل‌ونقل، وسایل ماشین‌آلات، تجهیزات کارخانجات و سامانه‌های مصرف‌کننده انرژی با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید
فرهنگ‌سازی / آگاه‌سازی و آموزش	فرهنگ‌سازی / سیاست تشویق و تنبیه / الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی / ارتقاء قابلیت‌ها / توسعه زیرساخت‌ها؛ رعایت حقوق شهروندی / دسترسی همگان به خدمت	ق.ا.ا.م.ا.	سامانه‌ها و فرایندهای کاری فناورانه: الزام دستگاه‌ها به تعبیه سامانه‌های کنترلی و ممیزی مصرف انرژی و اصلاح فرایندهای کاری مبتنی بر سیستم‌های الکترونیکی، تلفنی و اینترنتی
فرهنگ‌سازی / سیاست تشویق و ترغیب / آگاه‌سازی و آموزش؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش؛ مقبولیت فناوری / پذیرش فناوری؛ توانمندسازی / دسترسی	فرهنگ‌سازی و ترویج / الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی / ارتقاء قابلیت‌ها	۵، ق.ا.ا.م.ا.	هوشمندسازی: تجهیز مشترکین به کنتور هوشمند سیستم قرائت و کنترل بار و امکانات فناوری اطلاعاتی روزآمد

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۳): اقدام‌های سازمانی و نهادی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
موافقت با اقدام‌ها / پذیرش طرح؛ عدالت و امنیت انرژی / در دسترس بودن انرژی؛ متقاعدسازی / کارکردی	فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی / جبران خسارت	۴، ۳، ۲	تنظیم برنامه کاری: تنظیم برنامه فصلی بخش صنعت و ساعت کاری اصناف
فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه (برای دستگاه‌ها) / آگاه‌سازی و آموزش (جامعه)	رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / الگوسازی و نوآوری رفتاری	۶، ۵، ۴	نوآوری مدیریتی: اجرای مدیریت سبز در دستگاه‌ها
متقاعدسازی / پاداش / مشارکت مردم؛ ملاحظه زمینه‌های عمومی، فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ آگاهی، ارزش‌ها و نگرش‌ها / زمینه ارتباطی / زمینه توسعه‌ای / زمینه هویتی؛ فرهنگ‌سازی و آموزش	دادرسی عادلانه / تضمین امکان مشارکت مردم؛ جلب مشارکت عمومی، فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ توانمندسازی / بسترسازی نهادی	س.ا.ا.م	شکل‌گیری نهادهای مردمی: شکل‌گیری نهادهای مردمی جهت ارتقاء کارایی انرژی
فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش	متقاعدسازی کارکردی / پاداش، فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ توانمندسازی / بسترسازی نهادی / ارتقاء اقتصادی	س.ا.ا.م، ق.ا.ا.م، س.م.ر.ا.ک	توسعه شرکت‌های خدمات انرژی: ترویج و گسترش فرهنگ صرفه‌جویی و بهینه‌سازی مصرف انرژی و ایجاد انگیزه کافی برای حمایت از تشکیل شرکت‌های خدمات انرژی
فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش	متقاعدسازی کارکردی / پاداش، فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ توانمندسازی / بسترسازی نهادی / ارتقاء اقتصادی / ارتقاء قابلیت‌ها و مهارت‌ها؛ عدالت و امنیت انرژی / آمایش سرزمین	س.م.ا.س	توسعه دانش بنیان: حمایت از تحقیقات کاربردی و تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان در زمینه کسب فناوری‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف انرژی و کاهش شدت انرژی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۴): اقدام‌های استانداردسازی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
رعایت الگوهای پایداری / متقاعدسازی کارکردی / حفاظت از محیط‌زیست؛ پاداش؛ مقبولیت فناوری و تولیدات داخلی و تعیین معیارها و مشخصات فنی سیستم‌ها و تجهیزات انرژی بر و الزام به رعایت آن	فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	س.ا.ا.م، ق.ا.ا.م، ۲، ۳، ۴، س.م.آ.س، س.م.ر.ا.ک	استانداردسازی تجهیزات: استانداردسازی مصرف انرژی
رعایت الگوهای پایداری / متقاعدسازی کارکردی / تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش، رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش، رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	س.ا.ا.م، ق.ا.ا.م، ۳، ۴، ۵، ۶، ق.ا.ا.م	استانداردسازی ساختمان: تهیه و تنظیم مقررات رعایت استانداردهای پرهیز از اتلاف انرژی در ساختمان‌ها
رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ پذیرش فناوری؛ ظرفیت‌سازی اقتصادی؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	ق.ا.ا.م	استانداردسازی فرایندها: تدوین معیارها و مشخصات فنی و استاندارد اجباری انرژی فرایندهای صنعتی، معدنی و کشاورزی و الزام به رعایت آن
رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ پذیرش فناوری؛ توانمندسازی / ظرفیت‌سازی اقتصادی؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	ق.ا.ا.م	استانداردسازی کیفیت سوخت: تدوین استاندارد کیفیت انواع سوخت‌های مصرفی و برق و الزام تولیدکنندگان و واردکنندگان به رعایت آن
فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش / سیاست تشویق و تنبیه؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش	ملاحظه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی؛ رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	ق.ا.ا.م	تدوین الگوی مصرف استاندارد: تعیین و تدوین الگوهای مصرف ماهانه حامل‌های انرژی برای بخش خانگی، تجاری، عمومی، صنایع، معادن و کشاورزی با توجه به شرایط اقلیمی، فرهنگ و عادات مصرف و فناوری مورد استفاده

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۵): اقدام‌های فرهنگی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
متقاعدسازی کارکردی / پاداش	فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش، الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی / ارتقاء دانش و مهارت‌ها	ق.ا.م.۱	آموزش‌های تخصصی و عمومی: دوره‌های آموزش و آگاه‌سازی کاربردی مدیریت انرژی عمومی و تخصصی برای مدیران، مهندسان، متخصصان و فارغ‌التحصیلان این حوزه
-	فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش، توانمندسازی / ارتقاء دانش و مهارت‌ها؛ حکمرانی خوب / دسترسی همه مردم به اطلاعات باکیفیت انرژی	ق.ا.م.۱	اطلاع‌رسانی عمومی اطلاعات: اطلاع‌رسانی اطلاعات بخش انرژی به عموم مردم
زمینه‌های هویتی / قومیت / جغرافیا / شهر و روستا / دین	فرهنگ‌سازی و ترویج / نهادسازی / جامعه‌پذیری / آگاه‌سازی و آموزش / الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی / ارتقاء دانش و مهارت‌ها	۲، ق.ا.م.۱، س.ا.م.۱	آموزش در دوره‌های تحصیلی و فنی و حرفه‌ای: گنجانیدن رشته‌ها، واحدهای درسی مدیریت انرژی و آموزش مؤثر روش‌های بهینه‌سازی و مدیریت انرژی در دوره‌های تحصیلی پیشادانشگاهی و دانشگاهی و دوره‌های فنی و حرفه‌ای
دادرسی عادلانه / تضمین مشارکت مردم در فرایندها؛ جلب مشارکت عمومی / مدیریتی / اجرایی؛ زمینه‌های ارزش، آگاهی و نگرش؛ زمینه‌های ارتباطی؛ زمینه‌های توسعه‌ای؛ مقبولیت فناوری و محصولات / پذیرش فناوری	فرهنگ‌سازی و ترویج / سیاست تشویق و تنبیه / آگاه‌سازی و آموزش / نهادسازی / جامعه‌پذیری / الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ توانمندسازی / ارتقاء دانش و مهارت‌ها؛ رضایت و نگرش نسبت به اقدامات و اجرای آنها / نگرش مثبت یا منفی به طرح؛ زمینه‌های هویتی؛ رعایت الگوهای پایداری / حفاظت از محیط‌زیست؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش؛ توانمندسازی / ظرفیت‌سازی اقتصادی	۲، ق.ا.م.۱، س.ا.م.۱	آموزش عمومی از طریق ظرفیت‌های فرهنگی، هنری، آموزشی و رسانه: فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغاتی، اشاعه و توسعه و ترویج فرهنگ مصرف منطقی، فرهنگ بهره‌وری و اصلاح رفتار با ارائه و تشویق الگوهای موفق و با تأکید بر شاخص‌های کارآمدی، مسئولیت‌پذیری، انضباط و رضایت‌مندی، مقابله با اسراف، تبذیر و فرهنگ مصرف‌گرایی و ترغیب مصرف‌کنندگان به استفاده از تجهیزات، مجموعه‌ها

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
			و فرایندهای با مصرف انرژی و آلودگی زیست‌محیطی کمتر با استفاده از مشوق‌های مالی از طریق ظرفیت‌های فرهنگی، آموزشی، هنری و رسانه‌ها و دولت به‌مثابه الگو

منبع: (یافته‌های تحقیق)

جدول (۱۶): اقدام‌های کالبدی در مدیریت مصرف در اسناد بالادستی حوزه

انرژی و چگونگی اعمال رویکرد اجتماعی

اعمال رویکرد اجتماعی (مقوله / زیرمقوله)		عنوان سند	نوع اقدام
موارد اعمال نشده	موارد اعمال شده		
فرهنگ‌سازی / آگاه‌سازی و آموزش	ارزیابی تأثیرات اجتماعی؛ عدالت و امنیت انرژی / آمایش سرزمین؛ رعایت الگوهای پایبندی / حفاظت از محیط‌زیست؛ توانمندسازی / زیرساخت رفاهی؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / الگوسازی و نوآوری رفتاری؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت	ق.ا.ا.م.۱	جانمایی و ایجاد مراکز جمعیتی و خدماتی؛ جانمایی مراکز عمده جذب جمعیت و انتقال کاربری‌های غیرضروری توسط مسکن و شهرسازی و الزام وزارت کشور به ایجاد مراکز منطقه‌ای خدمات شهری با هدف کاهش سفر، کاهش مصرف سوخت و حفظ محیط‌زیست
متقاعدسازی کارکردی / پاداش؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش / سیاست تشویق و تنبیه؛ مقبولیت فناوری و محصولات / پذیرش و سلامت؛ فرهنگ‌سازی و مشارکت در اقدامات / اقدام به انجام روبه‌ها	رعایت الگوهای پایبندی / حفاظت از محیط‌زیست؛ توانمندسازی / توسعه ظرفیت‌های زیرساختی و رفاهی؛ رعایت حقوق شهروندی / حفاظت از ایمنی و سلامت؛ فرهنگ‌سازی و ترویج / الگوسازی و نوآوری رفتاری	۴، ق.ا.ا.م.۱	سامان‌دهی حمل‌ونقل؛ گسترش و بهبود کیفیت حمل‌ونقل عمومی و تولید خودروهای دوگانه‌سوز و از رده خارج کردن کلیه خودروها و موتورسیکلت‌های فرسوده، الزام دستگاه‌ها به ملاحظات ترافیکی و تقویت ساختار حمل‌ونقل، سامان‌دهی معابر و تسهیل عبور و مرور عابران پیاده و دوچرخه‌سواران
فرهنگ‌سازی و ترویج / آگاه‌سازی و آموزش؛ متقاعدسازی کارکردی / پاداش	توانمندسازی / ارتقاء سرمایه کالبدی؛ تاب‌آوری اجتماعی	۴	مقاوم‌سازی مسکن؛ مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و مسکن شهری و روستایی در مقابل زلزله و بهینه‌سازی ساخت و سازها در مصرف انرژی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بند «۷» بخش «الف» سیاست‌های کلی نظام در زمینه انرژی که سند بالادستی قانون برنامه چهارم توسعه بوده؛ بر سیاست بهینه‌سازی مصرف و کاهش شدت انرژی تأکید داشته است که این موضوع در برنامه به‌لحاظ فرهنگ‌سازی در حوزه عمومی مورد غفلت واقع شده است. ضمن اینکه با توجه به ماده ۱۲۲، در این برنامه نیز، ارزیابی تأثیرهای اجتماعی و تناسب جمعیت و فعالیت‌ها (آمایش سرزمین) در توسعه نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها مورد توجه قانون‌گذار نبوده است. باز اگر برگردیم به سیاست‌های کلی در زمینه انرژی، باید گفت که تأکید بر سیاست‌های ایجاد تنوع در منابع انرژی کشور (بند «۱» بخش «ب») و تلاش برای کسب فناوری و دانش فنی انرژی‌های نو و ایجاد نیروگاه‌ها از قبیل بادی و خورشیدی و پیل‌های سوختی و زمین‌گرمایی در کشور (بند «۴» بخش «ب»); در برنامه چهارم بازتاب نداشته و هنوز رویکرد مبتنی بر منابع تجدیدناپذیر حاکم است. در بند «ب» ماده «۱۲۵»، برنامه پنجم توسعه دولت مکلف شد بر مبنای سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و سیاست‌های کلی نظام در زمینه انرژی و با پشتوانه کامل کارشناسی، «سند ملی راهبرد انرژی کشور» را به‌عنوان سند بالادستی بخش انرژی برای یک دوره زمانی بیست‌وپنج‌ساله ظرف حداکثر شش ماه پس از تصویب قانون برنامه تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی برساند. همچنین طبق تبصره این بند وزارتخانه‌های نفت و نیرو موظف شدند با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط «برنامه اجرایی طرح جامع انرژی کشور» را ظرف دوازده‌ماه پس از تصویب قانون سند ملی راهبرد انرژی کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران برسانند. علی‌رغم تأکید قانون؛ سند ملی و برنامه اجرایی مذکور در طول برنامه به تصویب نرسید.

قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی به فاصله کمتر از دو ماه بعد از برنامه پنجم توسعه به تصویب رسید که می‌تواند بخشی از غفلت‌های رویکرد اجتماعی در حوزه مدیریت مصرف را پوشش دهد. اگرچه سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، قبل از تصویب قانون برنامه بوده که در آن بر اقدام‌های نهادی و فرهنگی در سیاست‌گذاری مدیریت مصرف انرژی تأکید شده است. قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، رویکرد اجتماعی برجسته‌تری در مقایسه با سیاست‌گذاری مدیریت مصرف در برنامه‌های توسعه دارد. به‌طور کلی باید گفت که نقشه راه رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی حوزه مدیریت مصرف، با ابلاغ این دو سند بالادستی، در طول برنامه پنجم

فراراه حکمرانی حوزه انرژی بوده است. در خصوص مدیریت طرح‌های توسعه‌ای با توجه به اهمیت ارزیابی تأثیرها و پیامدهای آنها بر زندگی اجتماعی و حوزه فرهنگ از یک طرف و همراهی مردم با اقدام‌ها از طرفی دیگر، سیاست‌گذاری مبتنی بر رویکرد اجتماعی، اهمیت و ضرورت بیشتری دارد. اگرچه در خصوص «تهیه پیوست‌های فرهنگی برای طرح‌های مهم و جدید» در ماده ۲ برنامه پنجم تأکید شده، اما اقدام عملی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد در برنامه ششم، با توجه به بالادست بودن قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی، به مباحث مدیریت مصرف کمتر پرداخته شده است. در بند «الف» ماده «۱۲۰»، دولت مجدداً مکلف به تدوین سند ملی راهبرد انرژی کشور شد که در ۱۳۹۶/۰۴/۲۸ بعد از تصویب شورای عالی انرژی (۱۳۹۵/۰۱/۲۳)، به تصویب هیئت وزیران رسید، اما بر اساس تکلیف قانون، به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. در مورد برنامه اجرایی طرح جامع انرژی نیز مجدداً دولت در ماده ۴۵ قانون برنامه ششم توسعه، مکلف به تدوین و تصویب آن شد که در ۱۳۹۹/۰۱/۲۴ به تصویب هیئت دولت رسید. سند ملی راهبرد انرژی کشور در افرق سال ۱۴۲۰ به‌عنوان سند بالادستی چهارچوب سیاست‌گذاری بخش انرژی کشور تلقی می‌شود. این سند بر مبنای سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور و سیاست‌های کلی نظام در بخش انرژی بوده است. برنامه اجرایی جامع انرژی کشور نیز در راستای همین سند و نیز اسناد اشاره‌شده تدوین و تصویب شده است. از این رو رویکرد اجتماعی مندرج در سند چشم‌انداز بیست‌ساله (تأکید بر «عدالت اجتماعی»، «امنیت اجتماعی»، «سرمایه اجتماعی»، «تأمین اجتماعی»، «فرصت‌های برابر»، «توزیع مناسب درآمد»، «نهاد مستحکم خانواده»، «مسئولیت‌پذیری»، «داشتن روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی»، «توجه و عنایت جدی به مشارکت عامه مردم») و سیاست‌های کلی انرژی و دو سندی که اشاره شد، می‌تواند فصل‌الخطاب سیاست‌گذاری انرژی و جامعه در این حوزه باشد.

تأکید برنامه ششم بر نظارت بر ارزیابی راهبردی محیط‌زیست (SEA) در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای و ارزیابی اثرهای زیست‌محیطی (EIA) طرح‌های بزرگ، تدوین سند ملی آمایش سرزمین و تصویب آن در شورای عالی آمایش سرزمین (مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۱) و نیز تأکید بر تهیه و تدوین پیوست‌های اجتماعی در طراحی کلیه برنامه‌های کلان توسعه‌ای ملی و بومی (ماده «۸۰» بند «الف» جزء «۲»: ارزیابی تأثیرهای اجتماعی) که البته فراتر از حوزه انرژی هستند، اما به‌نوعی بیانگر اهمیت این برنامه در توجه ابعاد توسعه پایدار در حوزه انرژی و دیگر حوزه‌ها هستند. بر اساس

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰)، ارزیابی تأثیرهای اجتماعی به‌لحاظ تدوین رویه‌های اجرایی و عملیاتی از موفقیت‌چندانی برخوردار نبوده است. تحلیل کلی اسناد بالادستی به‌لحاظ اتخاذ رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری، گویای تحول در اعمال رویکرد اجتماعی در سیاست‌گذاری انرژی بوده، اما این موضوع باز به‌معنای آن نیست که مقولات اجتماعی تمام و کمال لحاظ شده باشد. همان‌طور که مشاهده شد در همه اسناد هم در طرح‌های توسعه‌ای و هم مدیریت مصرف، موارد زیادی از اعمال رویکرد اجتماعی نادیده گرفته شده است. چرخش محسوس‌تر در دو برنامه اخیر و همزمانی آنها با تصویب اسناد مهم بالادستی حوزه انرژی که چند مورد از آنها تکلیف این دو برنامه نیز بوده بیانگر نکات مهمی است که در تدوین برنامه هفتم نیاز است تا با هدف اعمال رویکرد اجتماعی مورد توجه قرار گیرند. تحلیل محتوایی مفاد برنامه‌ها و دیگر اسناد بالادستی حوزه انرژی، بیانگر تأکید بر اهمیت رویکرد اجتماعی در قالب ارزیابی تأثیرهای اجتماعی و رعایت الگوهای پایداری (زیست‌محیطی) همه طرح‌های کلان ملی، محلی و بومی (فارغ از حوزه انرژی) می‌باشد. ضمن آنکه به تناسب فعالیت و جمعیت در قالب آمایش سرزمین سمت‌وسو داشته و نیز تأکید ویژه‌ای بر فرهنگ‌سازی و ترویج در حوزه تولید و مصرف انرژی شده است.

آنچه به‌لحاظ اعمال رویکرد اجتماعی در برنامه هفتم توسعه و نیز بودجه‌های سنواتی و رویه‌های عملیاتی اسناد بالادستی ضرورت دارد، تأکید بر چهارچوب‌های اسناد بالادستی این حوزه و تجربه برنامه‌های قبلی که در این پژوهش به آن پرداخته شد در تدوین این اسناد است. تحلیل‌ها نشان داد که سیاست‌گذاری مدیریت مصرف انرژی لازم است دربردارنده سیاست‌ها و اقدام‌های متعددی باشد. هر کدام از سیاست‌های مذکور زمانی اثربخش بوده و کارایی خود را نشان خواهد داد که علاوه بر تدوین نظام اجرا و پایش آن، مبتنی بر اعمال در چهارچوب رویکرد اجتماعی نیز باشد. هر کدام از اقدام‌های توسعه‌ای حوزه انرژی نیز اعم از طرح‌های توسعه‌ای نیز لازم است متکی بر رویکرد اجتماعی به‌ویژه جلب مشارکت عمومی، ارزیابی تأثیرهای اجتماعی، رعایت الگوهای پایداری، متقاعدسازی و پذیرش اجتماعی باشد.

درواقع با رعایت به‌روزآوری دیدگاه‌های اجتماعی، مفادی از برنامه ششم و اسناد بالادستی که اشاره شد خود بستر مناسبی در اشاعه و تداوم رویکرد اجتماعی به‌لحاظ الزام دولت در تقویت این رویکرد در سیاست‌گذاری خواهند بود. البته نباید فراموش کرد که لازم است تحولات سیاستی همگام با تحولات در پیدایش

گفتمان‌های جدیدتر در پیشبرد تعامل بهتر و بیشتر جامعه و سیاست‌گذاری انرژی باشد. الگوی پیشنهادی این پژوهش برای اعمال رویکرد اجتماعی تأکید بر دسته‌بندی سیاست‌ها و اقدام‌های مندرج در اسناد بالادستی و اتکاء به مؤلفه‌های رویکرد اجتماعی در بخش نظری پژوهش می‌باشد که با توجه به این موضوع، تلاش شد تا محتوای اسناد بالادستی انرژی به صورت کیفی تحلیل گردد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

حامی مالی این مقاله پژوهشکده نیرو می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

References

- Abdollahpour, J. (2017). *Investigation of the role of traditional rural elites in leadership the development of local communities (case of study: rural region of Sardasht (Iran))*, doctoral dissertation in sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (In Persian)
- Abdollahpour, J. (2022). *Study, identification and formulation of policies, programs and solutions for the utilization of social sciences in governance and management of the power industry and energy (Research report)*. Tehran: Niroo Reaserch Institute (NRI), Ministry of Energy. (In Persian)
- Alavi Tabar, A.R. (2000). *Participation in the administration of city affairs: Studying the model of citizens' participation in the administration of city affairs (global and Iranian experiences)*. vol. 1, first edition, Tehran: Publications of the Organization of Municipalities of Iran. (In Persian)
- Alinejad, M. and Salmanpur, A. (2016). *The role of economic and demographic factors on household electricity consumption (case study: selected provinces of the country)*. the second international conference on management, accounting and economics, Tehran. (In Persian)
- Anbari, M. (2011). *Sociology of development: from economy to culture*. first edition, Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Asadi, A. (1992). *public opinion and communication*. Tehran: Soroush Publication. (In Persian)
- Askari, M. (2006). *Social acceptance is a comprehensive index in traffic and transportation issues*. 7th Iran Transportation and Traffic Engineering Conference. (In Persian)
- Beheshti, S. p.; Qazi Tabatabai, M. and M. Rafatjah (2015). Sociological analysis of the impact of attitudes on energy consumption. *Iranian Electric Industry Journal of Quality & Productivity*, 3(6) Autumn and Winter, 3-10. (In Persian)
- Budiman, I. (2018). Enabling Community Participation for Social Innovation in the Energy Sector. *Indonesian Journal of Energy*, 1(1), 21-31.
- Cherney, A. & McGee T. R. (2010). Utilization of social science research: Results of a pilot study among Australian. *Journal of Sociology*, 47(1), 144-162.
- Cherney, A.; Head, B.; Boreham, P.; Povey, J. & Ferguson, M. (2013). Research Utilization in the Social Sciences: a Comparison of Five Academic Disciplines in Australia. *Science Communication*, 35(6), 780-809.
- Cooper, A. C. (2017). Building physics into the social: Enhancing the policy impact of energy studies and energy social science research. *Energy Research and Social Science*, 1-7.
- Dashiri, M.R. (2009). Media and Culture. *Cultural Research Quarterly*, 2(8), winter, 179-208. (In Persian)
- De Waters, J. (2011). *Energy Literacy and the Broader Impacts of Energy*

- Education among Secondary Students in New York State*. PhD Thesis in Philosophy, Environmental Science and Engineering. Clarkson University.
- Devine-Wright, P. (2005). Beyond NIMBYSIM; towards an integrated framework for understanding public perceptions of wind energy. *Wind Energy*, (8), 125-139.
- Devine-Wright, P. (2011). Place attachment and public acceptance of renewable energy: A tidal energy case study. *Journal of Environmental Psychology*, 31(4), 336-343.
- Ellis, Geraint; Barry, John & Clive Robinson (2007). Many ways to say 'no', different ways to say 'yes': Applying Q-Methodology to understand public acceptance of wind farm proposals. *Journal of Environmental Planning and Management*, 50(4), 517-551.
- Executive Plan of the Comprehensive Energy Plan (was passed by the government board in April 12, 2020). (In Persian)
- Fatahi, S.; Beharipour, S. & Rezaei, A. (2016). *Evaluation of the impact of population structure on electricity consumption (a case study of comparison of electricity consumption in the western and eastern provinces of the country)*. scientific research journal of the quality and efficiency of Iran's electricity industry, 4. (In Persian)
- Fazli, M. (2010). *Social impacts assessment, first edition*. Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)
- Fazli, N. (2007). Cultural resistance to innovations and new technologies in Iran. *Roshd Social Sciences*, 11th period, (1), 4-9. (In Persian)
- Ferreira, P.; Araújo, M. & M. E. J., O'Kelly (2010). The Integration of Social Concerns into Electricity Power Planning: A Combined Delphi and AHP Approach. in Rebennack, S. and et al. (editors), I, 343-364. in *Handbook of Power Systems*, New York, Springer, 2010, 343-364.
- Fournis, Yann & Marie-José Fortin (2016). From social 'acceptance' to social 'acceptability' of wind energy projects: towards a territorial perspective. *Journal of Environmental Planning and Management*, 06 June, at: 12(15), 21-20.
- General policies for reforming the consumption pattern (Islamic Republic of Iran) (announced by the Supreme Leader in May 7, 2010). (In Persian)
- General policies of the Islamic Republic of Iran in the energy sector (announced by the Supreme Leader in March 10, 2001). (In Persian)
- Giddens, A. & Birdsall, K. (2008). *Sociology, second edition*. Tehran: Ney Publications. (In Persian)
- Iman, M.T. and M.R. Noushadi (2012). Qualitative content analysis. *Pazhuhesh*, 3(2), Fall & Winter, 15-44. (In Persian)
- International Association for Public Participation (IAP2) (2014). *spectrum of public participation*.
- Iran National Standard Organization (2021). *Social Responsibility and Public Good - Guidance standard*. No. 29910, first edition. (In Persian)

- Islamic Parliament Research Center (IPRC) (2017). *Evaluation of the causes of failures related to the development of comprehensive energy policies in the country" (research report)*. Bureau of Energy, Industry and Mining Studies, February. (In Persian)
- Islamic Parliament Research Center (IPRC) (2021). *About the Social impact assessment: survey the extent of fulfillment of part 2" of clause A" of Article (80) of the Act of the Sixth Development Program (research report)*. Bureau of social Studies, February. (In Persian)
- Kodkhodaei, M.; Jafarzadeh, M.R. and Abbasi, A. (2021). Ranking of methods of culture making of the optimal household water consumption in metropolitan cities using Gray-AHP and Gray-TOPSIS integrated model. *Journal of Water and Wastewater*, 32(1), 27-40. (In Persian)
- Koen, B. (2005). *An Introduction to Sociology, translated by Mohsen Thalasi*. Tehran: Tutia Publications. (In Persian)
- Kolahi, M.R. (2006). *Comparative evaluation of the impact of different information mechanisms about electric energy on the amount of consumption of household consumers (Research report)*. Tehran: Niroo Reaserch Institute (NRI), Ministry of Energy. (In Persian)
- Lennon, Breffní; Dunphy, Niall P. & Estibaliz Sanvicente (2019). Community acceptability and the energy transition: a citizens' perspective. *Energy, Sustainability and Society*, 9(35), 1-18.
- Leucht, Martina; Kölbl, Thomas; Laborgne, Pia & Nicolai Khomenko (2010). The Role of Societal Acceptance in Renewable Energy Innovations' Breakthrough in the Case of Deep Geothermal Technology. *Proceedings World Geothermal Congress, Bali, Indonesia, 25-29 April 2010*.
- Liu, Lu; Bouman, Thijs; Perlaviciute, Goda & Linda Steg (2019). Effects of trust and public participation on acceptability of renewable energy projects in the Netherlands and China. *Energy Research & Social Science*, (53), 137-144.
- Lorenzen, Janet A. (2014). Convincing people to go green: managing strategic action by minimising political talk. *Environmental Politics*, 23(3), 454-472.
- Maleki, A. (2013). *Energy Policy, first edition*. Tehran: Ney Publicatins. (In Persian)
- Marzban, A.; Mohammadi, M.; Pourezat, A. A. and Qaderi, F. (2018). The future of governance in the field of non-profit facilities: key factors and emerging trends (case study: distribution of electric energy). *Strategic Public Policy Studies Quarterly*, 8(27), 109-132. (In Persian)
- Ministry of Energy (2018). *Document on the structure and functions of the Center for Social Affairs of Water and Energy Resources*. (In Persian)
- Ministry of Energy (2020). *Document on the conceptual system of social persuasion for the reform of water and electricity tariffs (second version - May)*. (In Persian)

- Ministry of Oil (2019). *Policies and regulations on how to fulfill social responsibilities in the oil industry and executive regulations Policies and regulations on how to fulfill social responsibilities in the oil industry*. accessible at: <https://csr.nigc.ir/index.aspx?siteid=70&&siteid=70&pageid=367>. (In Persian)
- Mistur, Evan M. (2017). Health and energy preferences: Rethinking the social acceptance of energy systems in the United States. *Energy Research & Social Science*, (34), 184-190.
- Mohammadi Ardhalı, M. & Adham, A. (2008). Energy Policy Modeling with Technical, Economic and Social Considerations: Applying the Genetic Algorithm for Sorting Elite Non-Dominant Answers in a Case Study of Resource Allocation. *Quarterly Journal of Energy Economics*, Year 5, (16), Spring, 110-81. (In Persian)
- Mohammadpour, Ahmad (2013), against method: steps and practical procedures in qualitative methodology, second volume, second edition, Tehran: Sociologists Publications. (In Persian)
- Momenirad, A.; Aliabadi, K.; Fardanesh, H. and Mozayani, N. (2014), Analysis of qualitative content in research: nature, stages and validity of results. *Educational Measurement Quarterly*, (14), 4th year, Winter, 187-222. (In Persian)
- Moula, M. E.; Moula, J.; Hamdy, M.; Fang, T.; Jung, N. & Lahdelma, R. (2013). Researching social acceptability of renewable energy technologies in Finland. *International Journal of Sustainable Built Environment*, 2(1), 89-98.
- National Document of Spatial Planning (was passed by the Supreme Council of Spatial Planning - in March 1, 2021). (In Persian)
- National energy strategy document of the country (Islamic Republic of Iran) (was passed by the Cabinet of Ministers- in July 19, 2017). (In Persian)
- Promberger, M. & et al. (2014), Patterns of Resilience during Socioeconomic Crises among Households in Europe (RESCuE), Concept, Objectives and Work Packages of an EU FP 7 Project. *Institute for Employment Research, Brussels*, 2014.
- Rafatjah, M. (2002). *Investigating the cultural and social behavior patterns of domestic and commercial electricity consumers in Tehran (Research report)*. Tehran: Niroo Reaserch Institute (NRI), Ministry of Energy. (In Persian)
- Rafiean, M.; Khodae, Z. & Dadashpoor, H. (2014). Community Capacity Building as an Approach in Empowering Social Institutions. *Sociology of social institutions, first period, spring*, (2), 160-133. (In Persian)
- Ritzer, G. (2003). *Sociological theory in the contemporary era, translated by Mohsen Talasi*. Tehran: Scientific Publications. (In Persian)
- Roknuddin Eftekhari, A. & Behzadnesb, J. (2004). Communicative planning, a critical approach to planning theory (with an emphasis on rural development planning). *Modares Humanities Quarterly*, 8(1), Spring, 1-22. (In Persian)

- Sadafi, Z. and Mohseni, A.R. (2015). Sociological explanation of the persuasive order of media consumption. *Quarterly Journal of Social Analysis of Order and Social Inequality (Research Journal of Humanities)*, 7(2), 1-33. (In Persian)
- Saedi, M.R. (2002). *An Introduction to People's Participation and Non-Governmental Organizations*. Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Sovacool, B. K. & Dworkin, M. H. (2015). Energy justice: Conceptual insights and practical applications. *Applied Energy*, 142(1), 435-444
- Sovacool, B. K. & Mukherjee, I. (2011). Conceptualizing and measuring energy security: A synthesized approach. *Energy*, 36(1), 5343-5355.
- Sovacool, B. K.; Ryan, S. E.; Stern, P.C.; Janda, K., Rochlin. G.; Spreng, D.; Pasqualetti, M. J.; Wilhite, H. & Lutzenhiser, L. (2015). Integrating social science in energy research. *Energy Research & Social Science*, 6(1), 95-99.
- Stjepcevic, J. & Siksnelyte, I. (2017). Corporate Social Responsibility in Energy Sector. *Transformations in Business & Economics*, 16(1), 21-33.
- Stjepcevic, J. & Siksnelyte, I. (2017). Corporate Social Responsibility in Energy Sector. *Transformations in Business & Economics*, 1(16), 21-33.
- Talebian, S.; Golchin, M. and Omrani Majed, A. (2009). Investigating the level of social acceptance of the gasoline rationing plan and the factors affecting it. *Management and Human Resources Quarterly in the Oil Industry*, second year, (4), autumn, 60-93. (In Persian)
- The Act of energy consumption pattern reforming (was passed by the Islamic Parliament in July 3, 2010). (In Persian)
- The Act of the Fifth Program of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (2011-2015). (was passed by the Islamic Parliament in January 5, 2011). (In Persian)
- The Act of the First Program of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (1990-1994), (was passed by the Islamic Parliament in January 31, 1990). (In Persian)
- The Act of the Forth Program of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (2005-2009). (was passed by the Islamic Parliament in September 1, 2004). (In Persian)
- The Act of the Second Program of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (1994-1998). (was passed by the Islamic Parliament in December 11, 1994). (In Persian)
- The Act of the Sixth Program of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (2017-2021). (was passed by the Islamic Parliament in April 5, 2017). (In Persian)
- The Act of the Third Program of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (2000-2004). (was passed by the Islamic Parliament in April 5, 2000). (In Persian)
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)

- The vision document of the Islamic Republic of Iran in the horizon of 1404 (2026). announced by the Supreme Leader in April 11, 2003). (In Persian)
- Tousi, M.A. (1991). *What does participation mean. public management, new period, 13th issue*. Tehran: Public Management Education Center Publications. (In Persian)
- Wüstenhagen, R.; Wolsink, M. & M. J., Bürer (2007). Social acceptance of renewable energy innovation: An introduction to the concept. *Energy Policy*, 35(5), 2683-2691.
- Yavari, K. & Ahmadizadeh, K. (2010). Investigation of the relationship between energy consumption and population structure (case study of Southwest Asian countries). *Quarterly Journal of Energy Economics*, Year 7, (25), 33-65.

